

## بررسی تاریخی معماری محراب و مناره در سده نخست اسلامی

محمد مهدی مهدوی ۱

محمد رضا بارانی ۲

### چکیده

با آنکه در منابع اسلامی، سفارشی درباره ساخت محراب و مناره مساجد نیست، چرا این دو پدیده در معماری عبادتگاه مسلمانان وارد گردیده است؟ در این نوشتار، با روش کتابخانه‌ای، چگونگی ورود محراب و مناره در معماری مساجد سده نخست اسلامی و نیز فرضیه اینکه محراب و مناره برگرفته از آیین ایران باستان، مردم جزیره العرب و معابد یهودیان و مسیحیان است، بررسی خواهد شد.

بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد که در سده نخست اسلامی، این دو بخش، به معماری مساجد افزوده شده و مساجد جامع: فلسطین، کوفه، مدینه، دمشق، قیروان و فسطاط در سده نخست، دارای محراب طاق نما بوده و مساجد جامع: بصره، فسطاط، دمشق، مدینه، قصبه در رمله فلسطین و قیروان در سده نخست، دارای مناره بوده‌اند. در گذشته، مناره‌ها به شکل چهارگوش، حلزونی و استوانه‌ای ساخته می‌شدند و مواد به‌کاررفته در آن، در شرایط اقلیمی و فرهنگ معماری مناطق، متفاوت بوده و سپس، مناره‌ها بلندتر و باریک‌تر

۱. دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن اسلامی، مجتمع عالی امام خمینی (ره) قم، نویسنده مسئول: mahdaviaef@gmail.com

۲. استادیار گروه تاریخ، دانشگاه الزهراء (س) تهران: [m.barani@alzahra.ac.ir](mailto:m.barani@alzahra.ac.ir)

شده و کاربرد خود را به عنوان مأذنه از دست داده است.

## واژگان کلیدی

محراب، مناره، سبک معماری، مسجد جامع، مقصوره، قبله.

## مقدمه

محراب و مناره در سده نخست اسلامی و بررسی زمینه‌ها و عوامل پیدایی آن در معماری مساجد، موضوعی است که این تحقیق در صدد واکاوی آن بوده که چرا و چگونه این دو پدیده وارد معماری اسلامی مساجد گردیدند؛ با آنکه در قرآن و سنت سفارش و تأکیدی به ساخت آن دو وجود ندارد. این نوشتار، بر دو قسمت استوار یافته که در قسمت نخست، پدیده محراب در سده نخست اسلامی به بررسی گرفته می‌شود و پس از نگاهی به تاریخچه محراب به صورت عام، به بررسی استفاده از آن در مساجد مسلمانان می‌پردازیم. معرفی مساجدی که در سده نخست اسلامی دارای محراب گزارش شده و چگونگی بنا و ساخت آن، نقش و جایگاه محراب در مسجد و نیز تفاوت آن با پدیده مقصوره و همچنین دیدگاه مستشرقان به پدیده محراب مساجد، دیگر مباحث این قسمت را تشکیل می‌دهد. قسمت دوم، به پدیده مناره در مساجد اختصاص دارد که در آن تاریخچه مناره به طور عام، و ورود آن در معماری مساجد مسلمانان در سده نخست اسلامی به طور خاص مورد بررسی قرار خواهد گرفت. توضیح ساختمان مناره و مواد به‌کاررفته در آن و نیز اشکال هندسی مناره‌های سده نخست اسلامی، از مطالب دیگر این بخش می‌باشد. در مورد پیشینه موضوع، این امر قابل توجه است که مورخان و محققان مسلمان و نیز مستشرقان، با سه رویکرد به مباحث محراب و مناره به عنوان دو جزو بنای مسجد پرداخته‌اند.

**یک.** تحقیق در تاریخ و تمدن مسلمانان و نیز تاریخ باستانی کشورهای مسلمان و بررسی نمادهای تمدنی آنان که در ضمن به بحث محراب و مناره نیز اشاره نموده‌اند؛ مانند:

باستان‌شناسی ایران باستان، لویی واندنبرگ؛ حرمین شریفین (تاریخ مکه و مدینه)، حسین قره‌چانلو؛ الفن العربی الاسلامی، محمدحسین جوری؛ معماری ایران در دوره اسلامی، محمدیوسف کیانی؛ معماری اسلامی، شکل، کارکرد و معنی، روبرت هیلن برنر؛ شکل‌گیری هنر اسلامی، الگ گرابار؛ تاریخ المغرب العصر الاسلامی، سید عبدالعزیز سالم؛ تمدن اسلام و عرب، گوستاولوبون؛ وفاء الوفا باخبار دار المصطفی، سمهودی.

بحث محراب و مناره در این آثار، به دلیل نگاه عام و کلان، بسی اندک و ناتمام است؛ ضمن آنکه به بررسی پدیده محراب و مناره در سده اول اسلامی نپرداخته، بلکه معمولاً موضوع را در سده‌های بعد پیگیری نموده‌اند. این سخن، در مورد مناره بیشتر مصداق دارد. **دو.** تحقیق در بنای مساجد یا در خصوص محراب و مناره با رویکرد معماری، قدمت و آثار اجتماعی و سیاسی آن. در این زمینه، از آثار ذیل می‌توان نام برد: مساجد الکوفه، کامل سلمان جبوری؛ مآذن دمشق، تاریخ و طراز، قتیبة الشهابی؛ تطور المئذنة بمدينة القاهرة من الفتح حتى نهاية العصر المملوکی (دراسة معمارية مع مآذن العالم الاسلامی)، عبدالله کامل موسی (رساله دکتری چاپ‌نشده در دانشگاه مصر)؛ المآذن المصرية، نظرة عامة على اصلها وتطورها منذ الفتح العربی حتى الفتح العثماني، السيد عبدالعزیز سالم؛ سیر تحول محراب، علی سجادی؛ مقاله بررسی سه مناره مهم دوره سلجوقی، میترا آزاد؛ مقاله پیدایش مناره در اسلام، محمود فاضل و مقاله تحقیقی پیرامون مناره اثر علی نجفی. این دسته آثار، با وجود فراوانی و کار تحقیقی خوب، موضوع را در سده نخست اسلامی چندان مورد کنکاش و بررسی قرار نداده‌اند.

**سه.** با رویکرد فقهی به عنوان یک پدیده نو. این دسته محققان، در تلاش‌اند تا موضوع را از نظر فقهی و جواز و عدم جواز ساخت آن بررسی کنند که «إعلام الاریب بحدوث بدعة المحاریب» جلال‌الدین سیوطی و نیز مقاله «بدعة المحاریب» دکتور احمد فکری در مجله مصری *الکاتب*، نمونه این آثار است. با توجه به پیشینه موضوع، به نظر می‌رسد تحقیق درباره محراب و مناره در حوزه زمانی سده نخست اسلامی، ضرورت دارد.

### ۱. محراب در مساجد سده نخست

محراب، در اصطلاح مسلمانان، تاق‌نمایی است که در دیوار درونی مسجد در سمت قبله به منظور نشان دادن جهت برگزاری نماز تعبیه شده و جای مخصوص امام جماعت هنگام اقامه نماز می‌باشد. (هیلن برند، ۱۳۹۵: ۴۵؛ الگ گرابار، ۱۳۹۶: ۱۶۳؛ صدر حاج سیدجوادی، ۱۳۹۴، ج ۱۵: ۱۰۲) عرض، عمق و ارتفاع محراب، در شریعت حدّ معینی ندارد و این امر، تابع بنای مسجد، وسعت آن و ارتفاع سقف و نیز خواست سازنده محراب می‌باشد. معمولاً آن را چنان می‌سازند که یک شخص بتواند به راحتی در آن بایستد و نماز بخواند. قسمت بالایی محراب، به صورت نیم‌دایره و هلالی است که گویا دیوار از دو طرف محراب در این قسمت به هم رسیده و فضا را بسته است. مساجدی نیز دیده می‌شود که ظرفیت اقامه نماز در محراب آن وجود ندارد؛ بلکه آن را در اندازه کوچک و صرفاً به عنوان نماد محراب ساخته‌اند؛ چنان‌که در مساجد بزرگ و با سقف بلند، عکس آن نیز وجود دارد و محراب‌های بلند، وسیع و دارای فروفتگی بیشتر دیده می‌شود. به منظور استفاده بیشتر از فضای داخلی مسجد، محراب‌هایی نیز وجود دارد که از سمت داخل به بیرون برآمده و به خوبی قابل مشاهده است.

#### ۱-۱. تاریخچه محراب پیش از اسلام

پیشینه محراب در میان ملل و اقوام مختلف، به پیش از اسلام بازمی‌گردد و پیروان ادیان گوناگون در معابدشان محراب داشته‌اند. در برخی آیین‌های پیش از اسلام در ایران و بین‌النهرین، واژه «محراب» با اندک تفاوت به مکان‌ها و بناهایی ویژه عبادت به‌کار می‌رفته است. به پرستش‌گاه‌های آیین مهرپرستی، «محرابه» یا «مهرکده» گفته می‌شده است.<sup>۱</sup> محرابه‌های آیین مهرپرستی، ساختمان و بنایی بوده است با ویژگی‌های خاص که در آن، افراد به عبادت می‌پرداختند. (کومن، ۱۳۸۰: ۱۷۴) درون این معابد، جلوتر و پایین‌تر به صورت خاص، اصل محراب قرار داشته است به نام «کریپتا»<sup>۲</sup> که شباهت بسیاری - حداقل

۱. برای توضیحات بیشتر در این باره، رجوع شود به: ورمازن، مارتین، آیین میترا، ترجمه: بزرگ نادرزاد، انتشارات چشمه؛ فرانتس کومن، آیین پُرمز و راز میترا (اسرار آیین میترا)، ترجمه و پژوهش: هاشم رضی؛ و مانند آن.

۲. Crypta.

## بررسی تاریخی معماری محراب و مناره در سده نخست اسلامی ۴۳

از نظر طاق - به محراب مساجد کنونی داشته است. «در کریپتا، نمادی از آسمان و جهان نشان داده می‌شد. از این رو، باید طاقی می‌داشت تا با آسمان هم‌خوانی داشته باشد. وقتی نمی‌توانستند با سنگ، آجر و آهک طاق بسازند، چوب یا پارچه‌هایی را خم می‌کردند و روی آنها را گچ می‌کشیدند تا نگاره آسمان در اندیشه راه یابد.» (کومن، ۱۳۸۰: ۱۷۴)

در ادیان معروف آسمانی پیش از اسلام، محراب معمول بوده که به معنای معبد به‌کار می‌رفته است. بنا بر نقل منابع روایی و تاریخی، حضرت داود نبی(ع) محراب داشته است. (طبری، ۱۳۸۷، ج ۳: ۶۱۰ و ۶۱۱؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۷: ۵۶؛ عسقلانی، ۱۴۱۵، ج ۷: ۳۲۷؛ مقدسی، ۱۴۱۱: ۱۵۱ و ۱۶۷؛ ابن فقیه، ۱۴۱۶: ۱۵۱؛ مسعودی، بی‌تا: ۱۱۱؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۱۰: ۱۰۳؛ یاقوت حموی، ۱۹۹۵، ج ۵: ۱۶۹؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲، ج ۴: ۱۹۳؛ ابن خلدون، ۱۴۰۸، ج ۳: ۵۸۶) ایشان اوقات خویش را چهار قسمت نموده بود که یک بخش برای قضاوت میان بنی‌اسرائیل، بخش دیگر معاشرت با خانواده، بخش سوم به سیروسبیاحت در دشت و دمن، کوه، صحرا و سواحل به منظور تفکر و تأمل در خویش و خودسازی، و قسمت چهارم به عبادت و راز و نیاز با پروردگار اختصاص داشت که در محرابش انجام می‌داد. هنگامی که به عبادت و راز و نیاز می‌پرداخت، به محراب می‌رفت و در آن به راز و نیاز و گریه و تضرع می‌پرداخت و دیگر راهبان و یارانش نیز وی را همراهی می‌نمودند. در سال ۱۵ هجری هنگامی که خلیفه دوم به فلسطین رفت، در بیت‌المقدس وارد محراب حضرت داود(ع) شد و در آن قرآن خواند. (طبری، ۱۳۸۷، ج ۳: ۶۱۰ و ۶۱۱؛ عسقلانی، ۱۴۱۵، ج ۷: ۳۲۷) این محراب، به گفته ابن کثیر تا سال ۴۲۵ ق مشخص بوده است که در آن سال، قطعه بزرگی از آن فروریخته است. (ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۱۲: ۳۶)

آیات ۲۱-۲۴ سوره ص، به موضوع قضاوت حضرت داود(ع) و نیز عبادت وی در محراب عبادتش اشاره نموده و اینکه ایشان در این مقام، چنان شهره بوده که مردم گاه و بیگاه به وی مراجعه می‌کردند؛ یکی از نمونه‌های آن، ماجرای بالارفتن دو برادر، از دیوار محراب حضرت داود(ع) است.

آیه ۱۳ سوره سبأ نیز از محراب حضرت سلیمان(ع) یاد کرده است. در این آیه آمده است: حضرت سلیمان هر چه می‌خواست، آن‌ها(جنیان) برایش درست می‌کردند: معبدها،

تمثال‌ها، ظروف بزرگ غذا همانند حوض‌ها و دیگ‌های ثابت که از بزرگی قابل جابه‌جایی نبودند.

روایت علی بن ابراهیم قمی می‌رساند یهودیان برای عبادت‌شان محراب داشتند؛ زیرا نماز آنان جز در بیعه‌ها، کنیسه‌ها و محراب‌ها پذیرفته نبود؛ اما در اسلام، این حکم دشوار برداشته شد (قمی، ۱۴۰۴، ج ۱: ۲۴۲) و مسلمانان در مسجد و یا هر جای دیگر که از نظر شرعی اشکال نداشته باشد، می‌توانند نماز بخوانند.

زکریای نبی (ع) نیز محراب داشت و در آن به عبادت و راز و نیاز با پروردگار می‌پرداخت. در همین محراب عبادت بود که خداوند به وی مژده یحیی، فرزندش را داد؛ درحالی‌که به سن پیری رسیده و همسرش تا آن زمان عقیم بود. (مریم: ۷۰-۷۱؛ آل عمران: ۳۹) حضرت مریم (ع)، مادر حضرت عیسی (ع) نیز محراب و اتاق ویژه‌ای برای عبادت داشت و زکریا، سرپرست وی، در آنجا به دیدنش می‌رفت. (آل عمران: ۳۷)

در زمان نبوت حضرت عیسی (ع) و پس از آن نیز محراب به عنوان محل ویژه برای عبادت معمول بوده است که از آن جمله می‌توان به «بیت المقدس» اشاره نمود که در آن، محراب‌هایی برای عبادت تعدادی از پیامبران وجود داشته است. به همین دلیل، آنجا را «بیت المقدس» یا «حظیره المحاریب» می‌گفتند. به دلیل طولانی شدن فاصله زمانی میان نبوت حضرت عیسی مسیح (ع) و بعثت پیامبر اسلام (ص) و فاصله گرفتن مردم از شریعت، بر اثر دسیسه‌های مشرکان و وسوسه‌های شیاطین، نام آن محل را تغییر دادند. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۴۸۲) در برخی کلیساها، این مکان در جلوی کلیسا به صورت نیم‌دایره ساخته می‌شده است که به آن، «تابوک» می‌گفتند. در ادبیات پیش از اسلام جزیره العرب، علاوه بر معانی مذکور، محراب به معنای محل توخالی مرتفع درون دیوار برای گذاشتن مجسمه و تمثال نیز به‌کاررفته است.

کدمی العاج فی المحاریب او کال بیض فی الروض زهره مستنیر (العبادی، ۱۹۶۵):

(۸۴)

در این بیت، شاعر بعضی زنان زیبا را به مجسمه‌های سفید عاج در محراب (محل نگهداری مجسمه در دیوار) تشبیه نموده است.

آیات و روایات و نیز گزارش‌های فوق، نشان می‌دهند که محراب پیش از اسلام، بیشتر

به معنای اتاق و جایگاه ویژه عبادت (معبد) بوده است؛ نه بسان محرابی که هم‌اکنون در مساجد مسلمانان معمول است. (سجادی، ۱۳۷۵: ۵۲) بالا رفتن دو برادر از دیوار محراب حضرت داود نبی(ع)، رفتن زکریا به دیدن حضرت مریم(س) در محراب وی و نمونه‌های دیگر، بیشتر این فرضیه را تقویت می‌کند. بنابراین، در سیر تطور محراب از گذشته‌های دور تا کنون، تحول بسیاری پدید آمده است؛ آن‌سان که امروزه مسلمانان چنان چیزی را محراب نمی‌گویند.

«در دوران اسلامی، «مسجد» جای کلمه «محراب/ معبد» را گرفت و این کلمه، کاربرد خود را از دست داد. شاید ارتباط بین محراب پیش از اسلام و دوران اسلامی، در این نکته باشد که پیش از اسلام، با توجه به آیات قرآنی، این مکان محل عبادت یک نفر بوده است و در دوران اسلامی نیز به محل قرار گرفتن یک نفر، یعنی امام جماعت، اطلاق می‌شود.» (سجادی، ۱۳۷۵: ۵۳)

#### ۲-۱. محراب در دوره پیامبر(ص)

در زمان پیامبر(ص)، محراب به شکل امروزی دارای تورفتگی در دیوار سمت قبله مسجد وجود نداشته؛ بلکه محراب به معنای مکان ویژه برای نمازخواندن رسول خدا(ص) (سمهودی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۲۶۴؛ توتونچی، ۱۹۷۶: ۱۵) و نشان دادن سمت قبله با نشانه‌ها و علائم ساده بوده است. گزارش‌هایی که از محراب و مصلی پیامبر(ص) در منابع حدیثی و تاریخی نقل شده، اشاره به همین نوع محراب دارد. بیهقی در روایتی آورده است: «رسول خدا(ص) به سمت مسجد حرکت کرد. سپس، به محراب رفت [به نماز ایستاد] و دو دستش را برای تکبیر [نماز] بالا برد». (بیهقی، ۱۴۰۴، جزء ۲۰: ۳۰) قزوینی آورده است رسول خدا(ص) وقتی به مدینه هجرت کرد، مسجد قبا را تأسیس نمود و با دست مبارکش، سنگ تهاداب را در محراب مسجد گذاشت. (قزوینی، ۱۳۷۳: ۱۵۳)

تمام مساجدی که در زمان رسول خدا(ص) ساخته می‌شد، به عنوان یک ضرورت دارای محراب بوده است تا جایگاه امام پیشاپیش صفوف نمازگزاران به سمت قبله مشخص باشد و مردم پشت سر امام در یک سمت نماز بخوانند. قبله نماز مسلمانان در

ابتدا، بیت المقدس بود و سپس، در سال دوم هجری<sup>۱</sup> به فرمان پروردگار، کعبه تعیین گردید. بنابراین، قبله مساجد مدینه که تا سال دوم هجری بنیاد یافته بود، ابتدا در سمت شمال مسجد موقعیت داشت و پس از تغییر قبله، در سمت جنوب قرار گرفت. محراب مسجد قبا به سمت بیت المقدس که نخستین مسجد ساخته شده توسط پیامبر و مسلمانان مهاجر و انصار است، تا دوران آل سعود به صورت محراب مشخص بود و با تعمیرات گسترده‌ی که در این دوران شروع شد، از میان رفت و به جای آن، تنها یک ایوان نیم‌متری قرارداد شد. (قائدان، ۱۳۷۷، ۲۲۹-۲۳۰) با همه اینها، روشن نیست که این مسجد و دیگر مساجد اولیه، محراب طاق‌نما داشته یا خیر؟

در مورد مسجد النبی در نیمه نخست اسلامی نیز به صورت قطعی نمی‌توان از محراب طاق‌نما سخن گفت. این مسجد در ابتدا ۱۰۲۱/۷۴ مترربع مساحت (۶۰ در ۷۰ ذراع = ۴۲۰۰ ذراع) و ۸ ستون از درخت خرما در درون مسجد برخوردار بود و «مُخَلَّقه»، نزدیک‌ترین ستون به محراب قرار داشت؛ چندان‌که بعدها این ستون در غرب محراب بر اثر توسعه و تعمیر، متصل به آن موقعیت یافت. علاوه بر آن، محل دیگری نیز وجود داشت که به «اسطوان التهجد (ستون تهجد)» (سمهودی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۴۵۰) و «محراب التهجد» (قائدان، ۱۳۷۷، ۲۴۹-۲۵۰) معروف بوده و پشت سر خانه حضرت علی (ع) و زهرا (س) و منتهی‌الیه حجره مبارک پیامبر (ص) و مقابل ایوان صُفَه موقعیت داشته که شب‌ها پس از آنکه مردم از مسجد می‌رفتند، رسول خدا (ص) حصیری را با خود می‌برد و در آنجا می‌گسترانید و به تهجد و شب‌زنده‌داری می‌پرداخت؛ چنان‌که اعتکاف آن حضرت نیز در همین مکان بوده است. (قائدان، ۱۳۷۷، ۲۴۹-۲۵۰) به نوشته سمهودی، وقتی حضرت در آنجا به نماز ایستادند، یکی حضرت را دید، آمد و به ایشان اقتدا نمود؛ بعد دیگری آمد و همین‌طور افراد زیاد شدند و رسول خدا (ص) متوجه شد؛ دستور داد اطرافش را با حصیر احاطه کردند تا دیگران نبینند و اقتدا نکنند. روز بعد به ایشان گفتند: ما دیدیم شما نماز می‌خوانید، خواستیم به شما اقتدا کنیم و ما هم نماز بخوانیم؛ چرا اجازه ندادید؟ حضرت فرمود: ترسیدم با این شیوه، نماز شب بر شما واجب شود و نتوانید از عهده آن برآیید.

۱. در تاریخ تغییر قبله، اقوال ۱۶، ۱۷ و ۱۸ ماه پس از هجرت، نقل شده است.



(سمهودی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۳۷۲)

مصلی پیامبر(ص) در مسجدالنبی مقابل دیوار سمت قبله و با فاصله سه ذراع از آن قرار داشته است؛ (سمهودی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۲۶۲ و ۲۷۱) چندان که نمازگزار به راحتی می‌توانست رکوع و سجود را انجام دهد؛ بدون آنکه با دیوار تماسی داشته باشد. غزالی جایگاه نماز پیامبر(ص) در مسجدالنبی پیش از آتش‌سوزی را چنین مشخص نموده است: اگر کسی در مصلی پیامبر(ص) بایستد، وسط منبر دقیقاً برابر شانه راست وی و مهره یمانی (چپنی سیاه و سفید که در دیوار قبله هست)، میان دو چشمش قرار می‌گیرد. (سمهودی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۲۶۶)

رسول خدا(ص) اگر در صحرا و بیابان نماز می‌گذارد، پس از مشخص کردن جهت قبله، نیزه کوتاه یا عصای نوک تیز را در زمین نصب می‌کرد و پشت آن نماز می‌خواند؛ تا هم جهت قبله مشخص باشد، هم برای نمازش حریم قرار داده باشد و کسی نزدیک‌تر از نیزه از جلو نمازگزار تردد نکند؛ به‌ویژه برای اقامه نماز دو عید، حضرت نیزه را با خود می‌برد. البته گاه می‌شد که در مسجد نیز به این کار مبادرت می‌ورزید. (توتونچی، ۱۹۷۶: ۱۷-۱۸)

مسجدالحرام در مکه محراب نداشت؛ زیرا قبله (کعبه) مشخص بود و از هر طرف که به سمت کعبه به نماز می‌ایستادند، درست بود. به همین دلیل، امام و نمازگزاران می‌توانند در هر کجا و روی به هر طرف کعبه به نماز بایستند؛ هر رکن و هر گوشه کعبه، به منزله محراب است. در اخبار مکه آمده است: «بو الولید، از پدر بزرگش، از سفیان، از ابن‌ابی‌نجیح، از عبدالله بن عاص نقل می‌کند که خانه کعبه، همه جایش قبله است؛ در عین حال، پیش روی آن، قبله کعبه است؛ جایی که پیامبر(ص) در روز فتح مکه پیش روی کعبه برابر سنگ سپید نماز گذارد و سپس، هر دو دست خود را بلند کرده و فرمود: این، قبله است. (ازرقی، ۱۴۱، الجزء الثانی: ۳۵۳)

در کنار مصلائی پیامبر(ص)، به دلایلی، برخی اشیای دیگر نیز وجود داشته است. واقدی به نقل از راویان می‌نویسد: «پیامبر(ص) روزهای جمعه کنار ستونی که دارای دو لبه بود، می‌ایستاد و خطبه می‌خواند و خیال می‌کنم آن ستون، از چوب درخت کنار بود و نزدیک محراب قرار داشت و رسول خدا(ص) به آن تکیه می‌کرد.» (واقدی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۲۳۶) انس بن مالک روایت نموده رسول خدا(ص) دست راست‌شان را به تخته (کنده چوبی

که در محراب بود) می گذاشت و رو به ما می کرد و می فرمود: «إِسْتَوُوا وَعَدَلُوا صُفُوفَكُمْ؛ (سمهودی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۲۷۲؛ ابن النجار، ۱۴۰۱: ۷۳؛ توتونچی، ۱۹۷۶: ۱۶) صف‌های تان را صاف و برابر کنید.» گاه رسول خدا(ص) به این چوب تکیه می کرد. (ابن عبد ربّه، ۱۳۵۳، ج ۷: ۲۸۹) این چوب، به نظر می رسد همان چیزی است که در منابع از آن با عناوین: «عود»، «وتد»، «اسطوانه» و مانند آن یاد شده است که حضرت نزدیک آن به نماز می ایستاد، گاه به آن تکیه می نمود و یا کنار آن می ایستاد و برای اصحاب سخنرانی می کرد. (توتونچی، ۱۹۷۶: ۱۶-۱۷)

### ۳-۱. محراب فرورفته در دیوار

هنگام نماز جماعت، پیامبر(ص) در محل ویژه خود به نماز می ایستاد و مسلمانان پشت سر ایشان در صفوف منظم قرار می گرفتند. پس از پیامبر(ص)، باگذشت زمان و افزایش تعداد نمازگزاران و جانشدن همه در مسجد، موضوع محراب طاق نما و فرورفته در دیوار مطرح شد. در این طرح، امام درون محراب فرورفته قرار می گرفت و جای یک صف کامل برای نمازگزاران ایجاد می شد. بدین ترتیب، علاوه بر حفظ حریم مصلاهی امام و نشان دادن جهت قبله، ظرفیت بیشتر جهت استفاده از فضای مسجد تأمین می گردید. آشکال محراب، یک دست و ثابت نبوده است؛ شکل‌های: مستطیل ایستاده، مثلث، نیم دایره و چند ضلعی وجود داشته است. (توتونچی، ۱۹۷۶: ۲۰ و ۲۲)

### ۴-۱. منشأ محراب طاق نما

سیوطی با نگاه بدبینانه‌ای که به محراب، گنبد و مناره مسجد دارد، آن را برگرفته از قربانگاه کنیسه مسیحیان معرفی نموده است؛ (سیوطی، ۱۴۱۱: ۱۴؛ فکری، ۱۹۴۹: ۲۰۶ و ۲۲۰) در حالی که چنین نیست؛ زیرا همان گونه که احمد فکری نوشته، (فکری، ۱۹۴۹: ۲۰۶ و ۲۲۰) میان این دو تفاوت بسیار است؛ نخست اینکه محراب مسجد، کوچک است و برای اقامه نماز یک نفر ظرفیت دارد؛ در حالی که قربانگاه معبد مسیحیان، فراخ است؛ چندان که مجری شعایر مذهبی به راحتی در آن رفت و آمد نموده و مراسم را انجام می دهد. دوم اینکه زمین قربانگاه از زمین معبد بالاتر است؛ اما سطح محراب، برابر و یا پایین تر از سطح مسجد می باشد. سوم، مجری شعایر مذهبی در قربانگاه، رو به طرف مردم قرار دارد؛ اما در

محراب، امام رو به کعبه و پشت به جمعیت قرار می‌گیرد. (توتونچی، ۱۹۷۶: ۲۱) برخی دیگر، محراب طاق‌نما یا فرورفته را برگرفته از باور قبطیان یا هیاکل یهود دانسته و دلایلی برای آن ارائه نموده‌اند که نویسنده کتاب *المحاریب العراقية* با رد آنها، محراب را ابتکار مسلمانان می‌داند و اظهار می‌دارد که این امر، برای شان چندان دشوار نبوده، تا از دیگران الگو بگیرند. اگر قرار بر الگوگیری بوده، چرا از مردم جزیره العرب الگو نگرفتند که هم نزدیک بوده، هم فرهنگ داشتن طاق‌نما برای نگهداری مجسمه بت‌های‌شان در میان‌شان معمول بوده است. (توتونچی، ۱۹۷۶: ۲۱-۲۲)

ابن کثیر شامی، البته نه به صورت قاطع، بر این نظر است که محراب فرورفته در دیوار (طاق‌نما)، ابتکار ولید بن عبدالملک بن مروان (۸۶-۹۶ ق) است. وی در مورد محراب‌های مسجد جامع اموی دمشق، چنین نظری ابراز می‌دارد و مصحح و محقق کتاب وی، این نظر را رد می‌کند و معتقد است محراب‌های طاق‌نما در مسجد دمشق، بعداً صورت گرفته که امام هر مذهب اهل سنت یک محراب برای خود دارد. اگر ولید برای آن مسجد، محراب ساخته باشد، تنها یک محراب بوده؛ نه بیشتر. (ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۹: ۱۴۴) سمهودی نیز معتقد است که مسجد النبی در دوران پیامبر و خلفای راشدین، محراب نداشته و نخستین کسی که آن را در مسجد پیغمبر بنیاد نهاد، عمر بن عبدالعزیز، کارگزار ولید بن عبدالملک بوده است. (سمهودی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۳۷۰)

### ۵-۱. محراب و خاورشناسان

بیشتر خاورشناسان، محراب طاق‌نما را پدیده برگرفته از معبد مسیحیان، یا از هیکل یهود و یا قربانگاه قبطیان ذکر کرده‌اند. کریسول<sup>۱</sup> نوشته است: محراب فرورفته، در مساجد نخستین نبوده و در زمان ولید بن عبدالملک، وی به عمر بن عبدالعزیز فرمان داد مسجد پیغمبر را از نو بسازد و برای این منظور، هشتاد بنا و هنرمند رومی و قبطی را به مدینه فرستاد و آنان جلو و اطراف مسجد را مطابق باور خودشان ساختند. (Kreswell, ۱۹۶۹: ۹۹) وی با مقایسه میان هیکل کنیسه قبطی و محراب، چنین نتیجه گرفته که نمای محراب، اصل

---

۱. Creswell.

## ۵. مطالعات تاریخی جهان اسلام

سال هشتم، شماره ۱۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۹

مسیحی دارد که بعدها در مساجد راه یافت. از این رو، از نظر مسلمانان اقدام نادرست و برخلاف خواست آنان بوده است. (Kreswell, ۱۹۶۹: ۹۹)

«پدرسون» (Pederson, ۱۹۳۶: ۳۳۸) و «آرنولد» (آرنولد، ۱۹۷۲، ج ۲: ۱۲۸) نیز با خاورشناس پیشین هم عقیده‌اند و محراب را شبیه کنیسه مسیحیان می‌دانند و بدعتی که وارد مسجد گردیده است؛ اما «بریجس» چنین باوری ندارد. به گفته وی، با آنکه فرورفتگی محراب در دیوارهای رومیان، قصرهای ساسانی و مکان مجسمه‌های معابد وجود داشته، ولی مسلمانان به دلیل سادگی، آن را در مساجد به‌کار بردند؛ بدون آنکه به الگوگیری آن از معابد مسیحی یا هندی توجه نموده باشند. (Martin, ۱۹۲۴: ۵۹)

«سوفاجیه»، با رد دیدگاه‌های «پدرسون» و «کریسول»، گفته است: وجود تشابه میان دو شکل، لزوماً به معنای الگوگیری یکی از دیگری نیست و به طور قطع، ثابت نمی‌کند که دومی، از اولی کپی‌برداری شده باشد. مهم، تفسیر نقش‌هایی است که هر کدام برعهده دارند و باید آن را شناخت. (Sauvaget, بی‌تا: ۱۴۶) به نظر وی، اسلام معنای محراب را تغییر نداد؛ بلکه بر آن معنای جدیدی افزود و آن، محل ویژه برای استقرار رئیس و امیر بود که در آن می‌نشست و به امور رسیدگی می‌نمود. از این رو، برای نشان دادن عظمت آن، بالای محراب قبه می‌ساختند. (Sauvaget, بی‌تا: ۱۴۶)

وی برای تأیید نظرش، دو گزارش از اخبار الطوال دینوری نقل می‌کند که هر دو مربوط به ابن هبیره، والی اموی است که تا واپسین روزهای حیات امویان در عراق، والی بوده است. طبق گزارش نخست، شخصی نزد ابن هبیره آمد و اجازه ملاقات خواست. حاجب گفت: ایشان در مصلاهی خویش است و هنوز برنخواسته. گفت: به وی اطلاع دهید من آمده‌ام و حامل خبر مهمی هستم. به وی خبر دادند؛ اجازه داد. نزدش رفتم که در محراب نشسته بود. (دینوری، ۱۳۶۸: ۳۷۲) گزارش دوم، چند صفحه بعد، جریان کشتن ابن هبیره در محراب قصر (نه محراب مسجد) را شرح داده است. بر اساس این گزارش، نیروهای مسلح عباسی هنگام طلوع آفتاب، در حالی که سراغ وی آمدند که رو به سمت تالار قصر به محراب مسجد قصر تکیه داده بود. پس از کشته شدن همراهانش، وقتی مهاجمان به سراغ وی آمدند، رو را به طرف قبله نمود و به سجده افتاد و تسلیم مرگ شد. بدین ترتیب، جانش را گرفتند. (دینوری، ۱۳۶۸: ۳۷۵)

به نظر می‌رسد ادعای سوفاجیه در ایجاد نقش تازه برای محراب در میان مسلمانان، بسی ضعیف‌تر از دیدگاه‌های «کریسول» و «پدرسون» در الگوگیری محراب از معابد مسیحیان می‌باشد. محراب به عنوان جای مخصوص رئیس یا امیر برای رسیدگی به امور، از سوی محققان و مورخان مسلمان تأیید نشده است؛ هرچند این سخن بدان معنا نیست که در محراب هرگز به امور مردم رسیدگی نمی‌کردند.

نمونه گزارش‌هایی که این خاورشناس بدان تمسک جسته، چنان نیست که نظر وی را تأیید نماید. در گزارش نخست، هنگام نماز صبح است و زمان مراجعه و رسیدگی به امور مردم فرانسیده تا گفته شود والی برای رسیدگی امور در آنجا نشسته است. در گزارش دوم نیز نخست آنکه محراب قصر ذکر شده که معمولاً داخل قصر، جای کوچکی برای نماز امیر و همراهانش می‌ساختند؛ نه محراب مسجد جامع و محل آمد و رفت عموم مردم. دوم آنکه این کارگزار اموی، به پایان کار خویش رسیده بود و به‌درستی دریافته بود در دام تیم‌های مسلح عباسی گیر افتاده و به‌ناچار تن به مرگ سپرده و محراب مسجد را برگزیده است.

#### ۱-۶. قدیمی‌ترین محراب‌های طاق‌نما

در این باره، دیدگاه‌های متفاوت ابراز شده است؛ برخی مانند سیوطی، آغاز آن را از اوّل قرن دوم هجری می‌داند (سیوطی، ۱۴۱۱: ۱۴)؛ درحالی‌که خاورشناسان سعی کرده‌اند آن را برگرفته از معابد مسیحیان معرفی کنند که توسط امویان، به‌ویژه ولیدبن عبدالملک (۹۶-۸۶ق) در اواخر قرن نخست اسلامی، رواج و گسترش یافته است. به نظر آقای نجات‌یونس توتونچی، قدیمی‌ترین مساجد دارای محراب طاق‌نما و فرورفته عبارت‌اند از: مسجد الأقصی در فلسطین، مسجد کوفه در عراق، مسجدالنبی، مسجد جامع اموی در سوریه، مسجد جامع قیروان در تونس و مسجد جامع عمروبن‌عاص در فسطاط مصر. (توتونچی، ۱۹۷۶: ۲۸-۲۹)

هروی (متوفای ۶۱۱ق)، در معرفی مسجد الأقصی نوشته محرابش، همان محرابی است که عمرین‌خطاب (۱۳-۲۳) بنیان نهاد. (هروی، ۱۴۲۳: ۲۵) خلیفه دوم در سال ۱۶ یا ۱۷ هجری، به آن سامان سفر کرد (بلاذری، ۱۹۸۸ الف: ۱۴۰-۱۴۱)، آنجا را فتح و مسجد الأقصی را تهداب‌گذاری نمود و محرابش را ساخت. (البکری، ۱۹۹۲، ج ۱: ۴۶۸) از آنجاکه

ممکن است محراب تهداب‌گذاری شده توسط خلیفه دوم، از نوع محراب‌های مدینه بوده که صرفاً در جلو مسجد تعبیه شده و سمت قبله را مشخص می‌نموده و بعداً با رواج محراب‌های طاق‌نما تغییر شکل داده باشد. سخن نویسنده مذکور، قطعی به نظر نمی‌رسد؛ چنان‌که «کریسول» نیز آن را از دوران خلافت خلیفه دوم نمی‌داند. با آنکه معتقد است این محراب، قدیمی‌ترین محرابی است که پیش از رواج محراب‌های فرورفته باقی مانده است؛ اما با بررسی شکل ساده، فرورفتگی اندک و خطوط کوفی بالای آن، به این نتیجه می‌رسد که در سال ۹۰ هجری ساخته شده است. (Kreswell, ۱۹۶۹: ۹۹)

ابن بطوطه، ایجاد محراب در مسجد مدینه را به دوره عثمان نسبت می‌دهد و می‌گوید: در دوره عثمان، باز هم بر مساحت مسجد افزوده شد. عثمان در تعمیر مسجد جدی بود؛ آن را از سه طرف شمال، جنوب و غرب توسعه داد. جز سمت شرق که محراب نیز در آن موقعیت داشت، توسعه نیافت. وی امر نمود سقف مسجد را از چوب ساج پوشانده، محرابی هم برای مسجد ساختند. برخی گفته‌اند اولین محراب را در اسلام، مروان [بن حکم بن عاص] بنا کرد و برخی دیگر، این ابتکار را به عمر بن عبدالعزیز، والی ولید بن عبدالملک، نسبت داده‌اند. (ابن بطوطه، ۱۴۱۷، ج ۱: ۳۵۳)

جمله «محرابی هم برای مسجد ساختند»، می‌رساند این محراب با مصلاهی پیش از آن، متفاوت بوده است؛ هرچند دلالت آن بر محراب فرورفته یا طاق‌نما، کامل نیست. با انضمام سخن مقدسی، دیدگاه فوق تقویت می‌شود. وی می‌نویسد: عمر بن عبدالعزیز در توسعه و بازسازی مسجد النبی هنگام تخریب و بازسازی محراب، بزرگان مهاجر و انصار را در محل جمع کرد و گفت: در تهداب‌گذاری محراب مسجدتان حاضر باشید تا نگویید که عمر آن را تغییر داد. (مقدسی، ۱۴۱۱: ۸۰-۸۱) وی هیچ سنگی برنداشت، مگر اینکه سنگ جدید را در جای آن قرار داد. (سمهودی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۳۶۸؛ توتونچی، ۱۹۷۶: ۲۳)

تعدادی از نویسندگان مسلمان و بیشتر خاورشناسان، بر این نظرند که ساخت محراب فرورفته در مسجد النبی، به دوران خلافت ولید بن عبدالملک (۸۶-۹۶ق) می‌رسد که ابن تغری بردی و فیلیپ حتی از آن جمله‌اند. (ابن تغری بردی، بی‌تا، ج ۱: ۶۷؛ حتی، ۱۳۸۰: ۵۳۵)

ولید بن عقبه در سال ۲۶ق، از سوی عثمان بن عفان (۲۳-۳۵ق) والی کوفه مقرر شد. وی

شبی را تا سحر به عیاشی، خوشگذرانی، شرب خمر و لهو و لعب گذراند و برای نماز صبح با حالت مستی به مسجد آمد، به محراب رفت، نماز صبح را چهار رکعت خواند و در محراب استفراغ نمود. سپس، رو به مأمومین کرد و گفت: می‌خواهید بیشتر بخوانم! (یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۱۶۵؛ مسعودی، ۱۴۰۹ الف، ج ۲: ۳۳۵) این امر و نیز فسق و فجور ولید، باعث اعتراضاتی شد و خلیفه مجبور شد وی را برکنار و سعید بن عاص را به جای وی منصوب نماید. سیاح معروف، ابن جبیر (۵۴۰-۶۱۴ق) این محراب را دیده که بر بالای آن، یک بسته از چوب‌های خوشبوی ساج آویزان بوده (ابن جبیر، بی‌تا: ۱۶۷) و به احتمال قوی، تا آن تاریخ، چند بار تعمیر و بازسازی شده است. همین سیاح مسلمان اندلسی، درباره مسجد جامع دمشق می‌نویسد: در سمت قبله برابر محراب، دروازه آهنی است که معاویه از آن وارد می‌شد، به «مقصوره» می‌رفت و از آنجا وارد محراب می‌شد. (ابن جبیر، بی‌تا: ۲۱۴)

گزارش‌ها نسبت به محراب مساجد قیروان و فسطاط، وضعیت بهتر دارد و از روشنی بیشتری برخوردار است. معاویه در سال ۵۰ هجری، عقبه بن نافع فهری را به جای معاویه بن حدیج در سرزمین‌های مفتوحه شمال آفریقا منصوب کرد. وی شهر قیروان را تأسیس نمود و مسجد جامعی را برای آن بنیاد نهاد. (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۳: ۴۶۵-۴۶۶) این شهر، به زودی به یک مرکز مهم برای مسلمانان تبدیل شد و رونق یافت و مسجد آن نیز بزرگ و باشکوه گردید. مسجد جامع، بارها در زمان‌های مختلف بازسازی شد و توسعه یافت؛ اما به احترام عقبه بن نافع، فرمانده صحابی لایق، محراب را حفظ کردند. زیاده‌الله بن ابراهیم بن اغلب (۲۰۱-۲۲۳ق)، از حاکمان اغلبی در زمان حاکمیت خویش، مسجد را خراب و از نو بنا نمود. خواست محراب را نیز خراب کند تا هیچ اثری از حاکمان پیش از وی باقی نماند، اما یاران و مشاورانش او را از این کار منع نمودند. پس از آنکه با اصرار وی روبه‌رو شدند، برخی از بناها پیشنهاد دادند محراب را درون دیوار قرار داده و بپوشانند. وی نیز پذیرفت و همین کار را کرد. ابو عبید البکری (قرن پنجم هجری) نوشته که تاکنون این محراب، بر همان حال است. (البکری، ۱۹۹۲، ج ۲: ۶۷۴)

به نوشته نجات یونس توتونچی، دکتر احمد فکری با کاوش‌هایی که در محراب مسجد جامع قیروان انجام داد، به آن محراب دست یافت که در زمان زیاده‌الله بن ابراهیم با

سنگ‌های مرمر آن را پوشانده بودند. در این کاوش، پس از برداشتن دو قطعه از دو جای، دیوار محراب عقبه بن‌نافع پدیدار شد که با لایه ضخیمی از خاک پوشانده شده بود. وقتی بخشی از خاک را کنار زدند، دیوار محراب که با سنگ‌های نامنظم ساخته شده بود، آشکار گردید. (توتونچی، ۱۹۷۶: ۲۵-۲۶)

مسجد جامع فسطاط مصر در سال ۲۱ هجری در ۵۰ ذراع طول و ۳۰ ذراع عرض ساخته شد و محراب طاق‌نما فرورفته نداشت. قره‌بن‌شریک، پس از اینکه از سوی ولید بن عبدالملک در سال ۹۰ ق (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۴: ۵۴۷) به حکومت مصر منصوب شد، مسجد را نوسازی نمود و تغییراتی در آن پدید آورد؛ از جمله، محراب طاق‌نما برای آن ساخت. (ابن تغری بردی، بی‌تا، ج ۱: ۶۶-۶۷) نجات یونس توتونچی سعی نموده محراب طاق‌نمای مسجد جامع فسطاط را به پیش از سال‌های حکومت قره‌بن‌شریک بر مصر نشان دهد (توتونچی، ۱۹۷۶: ۲۷-۲۸) که درست به نظر نمی‌رسد. هیچ‌یک از دو گزارش شاهد وی، نمی‌توانند این امر را اثبات کنند؛ چنان‌که در *النجوم الزاهرة فی ملوک مصر والقاهرة* که توتونچی از آن استفاده نموده، در صفحه ۶۷، باصراحت آمده مسجد جامع عمرو، محراب توخالی (طاق‌نما) نداشته است.

### ۷-۱. محراب و مقصوره

مقصوره که در نیمه نخست سده اول اسلامی به مسجد راه یافت، با محراب کاملاً متفاوت بوده است. «مقصوره»، اطاقکی محصور با پرده یا دیوار برآمده از خشت، آجر، گچ و یا چوب در اطراف محراب، دارای دریچه به سمت مردم که از آنجا به پیش‌نماز نگاه می‌کردند و ارتباط‌شان هنگام نماز با امام جماعت که نوعاً خلیفه آن را اقامه می‌نمود، بدین ترتیب، برقرار می‌گردید. عثمان بن عفان (۲۳-۳۵ ق)، نخستین کسی بود که در مسجد، با خشت خام مقصوره ساخت. (المقریزی، ۱۴۱۸، ج ۴: ۸) وی به دنبال ترور عمر، خلیفه دوم (۱۳-۲۳ ق)، به منظور حفظ جان خویش، مقصوره‌ای کوچک درون مسجد و در محل محراب از خشت ساخت که داخل آن جای می‌گرفت و نماز می‌خواند. (جبوری، ۱۳۹۷: ۱۶)

بلاذری، چنین نظری ندارد. به باور وی، نخستین کسی که در مسجد مقصوره ساخت،



زیادبن‌ایبه، والی بصره از سوی معاویه، در مسجد جامع بصره بوده است. (بلاذری، ۱۹۸۸ الف: ۴۸۷) معاویه نیز پس از سوء قصدی که توسط یکی از افراتیون خوارج به وی شد، در مسجد، مقصوره درست کرد (حتّی، ۱۳۸۰: ۲۵۶-۲۵۷) و به گفته فیلیپ حتّی، از این جهت بسیار مورد ملامت و سرزنش قرار گرفت. (حتّی، ۱۳۸۰: ۲۵۶-۲۵۷) مقصوره‌ها در ابتدا به خلیفه اختصاص داشت و آن را در اطراف محراب می‌ساختند، تا وی را هنگام اقامه نماز خطری تهدید نکند؛ اما بعداً به کنار محراب منتقل گردید؛ تا آنگاه که شخصی غیر از خلیفه برای اقامه نماز می‌آید، بتواند نماز را در محراب اقامه نماید.

نخستین کسی که مقصوره با دیوار محکم و دارای نقش و نگار ساخت، مروان‌بن‌حکم (۶۴-۶۵ق) بود. وی به دنبال حادثه سوء قصدی که در آن، کسی با چاقو به او حمله کرد و قصد ترورش را داشت و بالاخره دستگیر، زندانی و پس از مدتی اعدام شد، به فکر ساختن مقصوره‌ای محکم افتاد. (حتّی، ۱۳۸۰: ۲۵۶-۲۵۷)

شاید روایت منقول از امام علی(ع) مبنی بر از بین بردن محاریب مساجد توسط آن حضرت، به همین مقصوره‌ها اشاره دارد؛ نه محراب عبادت (صدوق، ۱۳۸۵ ج، ۲: ۳۲۰؛ طوسی، ۱۳۷۶، ج ۳: ۲۵۳) چنان‌که نهی امام محمد باقر(ع) از اقتدا به امام درون مقصوره‌ها و بطلان نماز، اشاره به ائمه جور دارد که خودشان را درون آن محصور نموده و از مردم فاصله می‌گرفتند. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳: ۳۸۵؛ صدوق، ۱۴۱۳ الف، ج ۱: ۳۸۶؛ طوسی، ۱۳۷۶، ج ۳: ۵۲)

#### ۸-۱. جایگاه محراب در مسجد

در فرهنگ اسلامی، محراب در مسجد سه کاربرد دارد؛ هرچند ممکن است از روز نخست، مدنظر سازندگان و طراحان آن نبوده است: نخست، نشان دادن جهت قبله. (سیوطی، ۱۴۱۱: ۹؛ هیلن برند، ۱۳۹۵: ۴۵) نمازگزاران با ورود به مسجد با دیدن محراب می‌دانستند به کدام سمت نماز بخوانند. این امر، به‌ویژه برای افراد تازه‌وارد و ناآشنا، اهمیت بیشتر دارد. دوم، جای ایستادن امام جماعت. (الیاسری، ۲۰۱۷: ۷۷) محراب در سمت قبله، مقدم‌ترین جای است که امام در آن می‌ایستد و مأمومین در صفوف منظم پشت سر وی قرار می‌گیرند. سعی می‌شود محراب در وسط مسجد و کنار دیوار قبله، موقعیت داشته باشد

تا نمازگزاران در دو سمت راست و چپ بتوانند امام را ببینند؛ مگر اینکه شکل هندسی مسجد آن را برنتابد. سوم، حریم برای امام؛ به این معنا که هنگام نماز، مأمومین نباید کاملاً موازی و یا جلوتر از امام قرار بگیرند؛ بلکه لازم است کمی عقب‌تر از امام بایستند.<sup>۱</sup>

رسول خدا(ص) وقتی در صحرا به نماز می‌ایستاد، نیزه کوچک یا عصای نوک تیزی را در زمین نصب می‌کرد؛ تا هم جهت قبله مشخص باشد، هم حریم ایجاد شود و افراد از جلو ایشان، حداقل نزدیک‌تر از شاخص، تردد نکنند. به نظر می‌رسد، همین عوامل سبب گردید تا از همان آغاز، محراب و مصلی در مسجد پدید آید که در ابتدا با نیزه کوچک، عصا، سنگ صاف در کف مسجد و مانند آن مشخص می‌گردید و با گذشت زمان، آن را با تحجیر و مانند آن برجسته نمودند؛ تا اینکه به محراب فرورفته و طاق‌نما منجر شد. نجات یونس توتونچی، علاوه بر آن، عامل تقویت صدا با انعکاس آن در محراب طاق‌نما به منظور رسیدن صدای امام به مأمومین را نیز افزوده است که به نظر می‌رسد از استنباط‌های وی می‌باشد و در منابع، دلیل روشنی برای آن وجود ندارد.

## ۲. مناره در مساجد سده نخست

«مناره» یا «منار»، در اصطلاح بنایی به صورت برج بلند و باریک را گویند که در کنار مساجد، بقاع متبرکه، مدارس دینی، کنار راه، کاروان‌سراها و در مرزها به منظور فراخواندن مردم به نماز و هدایت به سوی مسجد، راهنمایی مسافران و مشخص نمودن مرز میان دو کشور، ساخته می‌شده است. امروزه این اصطلاح به مناره‌های مساجد و بقاع متبرکه اختصاص یافته و از کاربرد آن در برج‌های کنار راه یا مرزها خبری نیست؛ اما در گذشته، برای همه موارد پیش‌گفته، به کار می‌رفته است. از این‌رو، به آن مأذنه، میل، عساس و صومعه نیز گفته‌اند.

---

۱. در احکام نماز جماعت آمده که مأموم نباید کاملاً برابر و یا جلوتر از امام بایستد. برای توضیح بیشتر، ر.ک: رساله‌های عملیه و کتب فقهی.

## ۱-۲. تاریخچه ساخت مناره

تاریخچه مناره، به پیش از اسلام برمی‌گردد و اقوام و ملل مختلف، از آن برای مقاصد گوناگون استفاده می‌کردند. استفاده از منار در ایران، سرزمین‌های عربی و شمال آفریقا، به پیش از اسلام بازمی‌گردد که از آن برای راهنمایی مسافران در شب‌های تاریک و یا روزهای مه‌آلود استفاده می‌نمودند؛ بدین صورت که بر بالای آن، آتش روشن می‌کردند تا مسافران گمگشته و در راه مانده، اقامتگاه بین راهی و یا شهر موردنظر را یافته، به آن سمت حرکت نمایند. بر اساس منابع مکتوب، نخستین کسی که برای راهنمایی انسان در راه، منار ساخت، «أبرهة بن الحرث الرأثی، یکی از شاهان یمن بوده است. وی با سپاهش هر جا برای فتوحات و لشکرکشی می‌رفت، در راه منار می‌ساخت، تا هنگام بازگشت راه را گم نکنند. (دینوری، ۱۳۶۸: ۱۲؛ طبری، ۱۳۸۷، ج ۱: ۳۸ و ۵۶۶؛ همو، ج ۲: ۱۱۱؛ خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲۶۳؛ ابن مسکویه، ۱۳۷۹، ج ۱: ۷۵ و ۹۱؛ بناکتی، ۱۳۴۸: ۱۶؛ منهاج سراج، ۱۳۶۳، ج ۱: ۱۷۵؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۱: ۱۶۸؛ شبانکاره‌ای، ۱۳۸۱، ج ۱: ۲۲۲؛ حسینی خاتون‌آبادی، ۱۳۵۲: ۳۸)

ساختن منار برای راهنمایی مسافران یا مشخص نمودن مرز میان دو سرزمین، در ایران پیش از اسلام رواج داشته است. «قدیمی‌ترین مناره یا برج راهنمای موجود، میل نورآباد، معروف به میل اژدها، متعلق به دوره اشکانیان در غرب نورآباد ممسنی استان فارس است که دارای حدود هفت متر بلندی بوده و قاعده و تمام بدنه آن، با سنگ‌های سفید تراش منظم داده شده است. پلکان میل اژدها، در درون برج قرار دارد و بر بالای آن، آتشدان سنگی جای داشته است.» (واندنبیگ، ۱۳۷۷: ۲۷؛ قدیانی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۸۱۱)

از مناره‌های برجای مانده از دوره ساسانیان، مناره چهار ضلعی را می‌توان نام برد که در مرکز شهر باستانی فیروزآباد استان فارس به صورت توده جسیمی از سنگ و گچ خودنمایی می‌کند. ابتدا ارتفاع مناره، بیش از ۳۳ متر بوده که تخریب شده و هم اکنون ارتفاع باقیمانده مناره، به ۲۶ متر می‌رسد. (مصطفوی، ۱۳۴۳: ۱۰۱)



میل نورآباد ممسنی در استان فارس



مناره فیروزآباد در استان فارس

ساخت مناره با هدف راهنمایی مسافران، پس از اسلام تا سده‌های اخیر در ایران رواج داشته است. به فرمان نادرشاه افشار، برای راهنمای کاروانیان و اردوهای جنگی، در صحرای بی‌آب و علف و کویرها، با سنگ، آجر و گچ مناره‌هایی ساخته شد که هنوز در ریگزارهای میان کرمان و بلوچستان باقی است و در برخی منابع و کتب لغت، با منار نادری از آن یاد شده است. (چارلز، ۱۳۶۵: ۱۱۳)<sup>۱</sup>

پس از اسلام، کاربرد مناره گسترش یافت و علاوه بر راهنمایی مسافران، برای اذان و دعوت مردم برای اقامه نماز نیز به‌کار گرفته شد. این امر، سبب گردید تا این نوع بنا، در

۱. البته محقق معاصر، جناب آقای محمد ابراهیم باستانی پاریزی معتقد است که این میل‌ها، به اشتباه میل نادری نامیده می‌شود؛ نه نادرشاه از آن بیابان‌ها و مسیر گذر کرده تا آن را ساخته باشد، نه سبک و استایل مناره‌ها به دوران ایشان مربوط است؛ بلکه سبک و استایل میل‌ها، مربوط به دوران سلجوقیان است. (محمدبن ابراهیم، سلجوقیان و غز در کرمان، ص ۸۹)

کنار مساجد، مدارس دینی و بقاع متبرکه نیز سربرآورد. امروزه در نقاط مختلف جهان اسلام، مناره‌های قدیمی بسیاری وجود دارد که پس از سپری نمودن قرون و سالیان متمادی، تاریخ پیشینیان را برای محققان و رهگذران یادآور می‌شوند.

## ۲-۲. پیشینه ورود مناره در بنای مساجد

با آنکه در منابع دینی، چیزی در سفارش و توصیه برای ساخت مناره برای مساجد وجود ندارد، اما بر اساس منابع تاریخی و جغرافیایی، از همان سده نخست اسلامی، این پدیده وارد دنیای معماری مساجد گردید و بسان محراب، جایگاه ویژه یافت و امروزه، به یکی از اجزای مهم و شکوه‌مند بنای مسجد درآمده است.

در مدینه، آنگاه که پیامبر(ص) به بلال فرمود برای خبرکردن مردم جهت اقامه نماز بالای دیوار مسجد برود و اذان بگوید (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳: ۳۰۷)، وی بر آن می‌ایستاد و اذان می‌گفت و یا به روایتی پیش از تغییر قبله، بر ستونی در خانه عبدالله بن عمر و یا خانه حفصه می‌رفت و اذان می‌گفت. (احمد بن علی، ۱۴۲۰، جزء ۱۰: ۱۳۲) بعدها غلام عباس بن عبدالمطلب که وی را «کلاب» می‌گفتند، مناره‌ای برای مسجد ساخت (یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۴۰۱-۴۰۲) که نخستین مناره برای مسجدالنبی مدینه به شمار می‌رود. پس از توسعه مسجد که بعد از فتح خیبر صورت گرفت، این محل در حیاط مسجد قرار گرفت و در انتهای دیواره شمال غربی واقع شد. بر مبنای این گزارش، ساخت مناره برای مسجدالنبی، به قبل از سال ششم هجری می‌رسد. بعدها به یاد بلال، آن یار فداکار رسول خدا(ص)، مأذنه‌ای زیبا از سنگ مرمر سفید به ارتفاع دو متر ساختند که بر ستون‌هایی از سنگ استوار بود و اکنون در اوقات پنج‌گانه بر آن اذان می‌گویند. (قائدان، ۱۳۷۷: ۲۶۵-۲۶۶) بدین ترتیب، ادعای برخی از مستشرقان مبنی بر اینکه ساخت مناره برای مسجد از اقدامات امویان است (حتّی، ۱۳۸۰: ۳۳۶)، درست نمی‌نماید؛ مگر اینکه این گزارش، اعتبار نداشته باشد.

عمر بن عبدالعزیز، والی مدینه، به دستور خلیفه وقت اموی، ولید بن عبدالملک (۹۶-۸۶ق)، چهار مناره در چهار گوشه مسجد برآورد که سلیمان بن عبدالملک به دلیل اشراف بر خانه مروان، یکی از آنها را خراب کرد. ابن زبالة، طول و پهناي این مناره‌ها را چنین ذکر

## ۶. مطالعات تاریخی جهان اسلام

سال هشتم، شماره ۱۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۹

کرده است: مناره شرقی و غربی ۵۵ ذراع (= ۲۵ متر)، مناره غربی ۵۳ ذراع (= ۲۴ متر) و عرض و پهنای مناره‌ها ۸×۸ ذراع، یعنی سه متر بوده است. (سمهودی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۵۲۴-۵۲۵) این مناره‌ها در دوره‌های مختلف مورد تعمیر و بازسازی قرار گرفته و بر تعداد آن افزوده شده است؛ در دوره عثمانی، تعداد آن به ۵ مناره رسید و در دوران سعودی‌ها، ۵ مناره جدید بر آن اضافه شد که هم‌اینک برای مسجدالنبی، ۱۰ مناره وجود دارد. (قائدان، ۱۳۷۷: ۲۲۴)

در عراق، بنا بر روایت مشهور، برای نخستین بار زیادبن‌ابییه، فرماندار معاویه در بصره، در سال ۴۴ یا ۴۵ ق برای مسجد جامع بصره مناره ساخت. (بلاذری، ۱۹۸۸ الف، ج ۲: ۴۸۷) این مسجد در سال چهارده هجری توسط فرمانده سپاه اسلام، عتبه‌بن‌غزوان، با دیوارهایی از نی و بدون سقف ساخته شد (ابن قتیبه، ۱۹۹۲: ۵۶۳؛ بلاذری، ۱۹۸۸ الف، ج ۲: ۴۸۷) و سپس، ابوموسی اشعری در زمان فرمانداری بصره، مسجد را وسعت داد، دیوارهایش را با خشت و گل برآورد و سقف آن را با علف پوشاند. (بلاذری، ۱۹۸۸ الف، ج ۲: ۴۸۶) پس از آنکه معاویه زیادبن‌ابییه را به عنوان والی بصره منصوب کرد، وی مسجد را بیشتر توسعه داد؛ بنای آن را با آجر ساخت (بلاذری، ۱۹۸۸ الف، ج ۲: ۴۸۷؛ ابن قتیبه، ۱۹۹۲: ۵۶۳)، ستون‌های متعدد در آن به‌کار بُرد و برای مسجد مناره‌ای از سنگ ساخت. (بلاذری، ۱۹۸۸ الف، ج ۲: ۴۸۷)

سومین مناره که برای مسجد ساخته شده، مأذنه‌های چهارگانه‌ای است که مسلمة‌بن‌مخلد، والی مصر به دستور معاویه در مسجد جامع عمروبن‌عاص در فسطاط مصر ساخت. (المقریزی، ۱۴۱۸، ج ۴: ۹) وی در سال ۵۳ ق، علاوه بر توسعه مسجد این شهر، برای آن در هر چهار سمت، منار ساخت و دستور داد برای دیگر مساجد فسطاط نیز منار بسازند؛ تا مؤذنان بر بالای آن اذان بگویند. (المقریزی، ۱۴۱۸، ج ۴: ۸-۹) پله‌های صعود بر مناره، در بیرون مسجد قرار داشت که بعداً خالدبن‌سعید آن را به درون مسجد منتقل نمود. (المقریزی، ۱۴۱۸، ج ۴: ۹) بنا به دستور والی مصر که در بالا بدان اشاره شد، برای مساجد دیگر در فسطاط نیز باید مناره ساخته باشند؛ اما نویسنده تاکنون به گزارشی در این باره دست نیافته است.

روایاتی در برخی منابع نقل شده که وجود مناره در نیمه نخست سده اول اسلامی را

تأیید می‌کند: «رُوی أَنَّ عَلِيًّا (ع) مَرَّ عَلَى مَنَارَةٍ طَوِيلَةٍ فَأَمَرَ بِهَدْمِهَا؛ ثُمَّ قَالَ لَا تُرْفَعُ الْمَنَارَةُ إِلَّا مَعَ سَطْحِ الْمَسْجِدِ؛ (صدوق، ۱۴۱۳ الف، ج ۱: ۲۳۹؛ طوسی، ۱۳۷۶، ج ۳: ۲۸۲) امام علی (ع) با دیدن مناره مرتفعی دستور داد آن را ویران کنند و فرمود: مناره نباید از بام مسجد بلندتر باشد. در حدیث دیگری امام حسین (ع) فرموده است: با پدرم در مسجد نشسته بودیم که مؤذن بالای مأذنه رفت و به اذان گفتن پرداخت... . امیرالمؤمنین (ع) با شنیدن الله اکبر مؤذن گریست و با گریه ایشان ما هم گریستیم... . (صدوق، ۱۳۹۸ ب: ۲۳۸؛ صدوق، ۱۴۰۳: ۳۸) به نظر می‌رسد اقدام امام (ع) مبنی بر تخریب مناره‌های بلند و دستور ایشان بر اینکه مناره‌ها نباید از بام مسجد بلندتر باشد، به دوران خلافت آن حضرت، یعنی سال‌های ۳۵-۴۰ ق مربوط می‌شود و نشان می‌دهد که در آن زمان برای مؤذن، جای مخصوصی در نظر می‌گرفتند که بر بالای آن اذان می‌گفت.

مأذنه دیگری که در زمان امویان و به دستور آنان ساخته شد، مناره مسجد جامع دمشق است که توسط ولید بن عبدالملک (۸۶-۹۶ ق) بنا یافت. این مسجد، یکی از بزرگ‌ترین و زیباترین مساجدی بود که در آن زمان ساخته شد. علاوه بر استفاده از سنگ‌های قیمتی و بنای وسیع که ظرفیت بیست هزار نفر را در یک زمان داشت، چراغ‌های تزئینی بسیاری در آن به کار رفته بود. زیبایی، استحکام و وسعت آن، چنان خیره‌کننده بود که چند سال بعد، وقتی هیئت سیاسی از رم برای گفت‌وگو با عمر بن عبدالعزیز، خلیفه وقت اموی، وارد دمشق شد و از مسجد دیدن کرد، به شدت متأثر شده و گفتند: ما رومی‌ها با همدیگر می‌گوییم عرب‌ها خیلی دوام نمی‌آورند؛ اما با این بناهایی که ساخته‌اند، معلوم است که آنان روزگاران زیادی ماندگارند. (ابن فقیه، ۱۴۱۶: ۱۵۹)

ساخت چنین مسجد باشکوهی، هزینه‌های هنگفت لازم داشت که از سوی دولت اموی پرداخت گردید. نوشته‌اند برای ساخت این مسجد، مالیات هفت سال دولت اسلامی آن زمان را هزینه کردند؛ چنان‌که اسناد هزینه‌کرد ساخت مسجد، بار هجده شتر گردید که فرستادند تا خلیفه از آن مطلع گردد و ایشان نیز دستور داد همه را بسوزانند. (ابن فقیه، ۱۴۱۶: ۱۵۸-۱۵۷)

بنا بر روایتی که ابن فقیه نقل کرده، مناره مسجد جامع دمشق، در اصل منار کنیسه حضرت یحیی نبی (ع) بوده است که با توسعه مسجد در محل کنیسه‌ها، داخل مسجد قرار

## ۶۲ مطالعات تاریخی جهان اسلام

سال هشتم، شماره ۱۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۹

گرفت و بدون آنکه از میان برداشته شود، بر همان حال باقی ماند (ابن فقیه، ۱۴۱۶: ۱۵۷-۱۵۸) و مورد استفاده مسلمانان قرار گرفت.

یکی از اقدامات ولید بن عبدالملک اموی (۸۶-۹۶ق)، توسعه مساجد شهرهای مهم اسلامی بود. وی نه تنها در دمشق، مسجد بزرگ، عالی و پُرزرق و برق ساخت، بلکه به والیان و فرماندارانش در ولایات مهم دستور داد مساجد بسازند و یا مساجد موجود را توسعه دهند. (ابن فقیه، ۱۴۱۶: ۱۵۷) در راستای اجرای فرمان خلیفه اموی، دیگر مسجدی که مأذنه برای آن ساخته شد، مسجد جامع پیامبر(ص) در مدینه است که عمر بن عبدالعزیز در سال ۸۸ق، هنگامی که از طرف ولید بن عبدالملک عامل مدینه و مکه بود، آن را بنا کرد. ولید بن عبدالملک به والی دستور داد که مسجد را خراب نموده، از نو بسازد و توسعه دهد. عمر بن عبدالعزیز، چهار مأذنه در چهار طرف مسجد ساخت که یکی از مأذنه‌ها، بر خانه مروان مشرف بود. سلیمان بن عبدالملک اموی (۹۶-۹۹ق)، در سفر حج در این خانه اقامت گزید. از آنجاکه مؤذن از بالای مناره داخل خانه را می‌دید، سلیمان دستور داد که مناره را خراب کنند. (ابن بطوطه، ۱۴۱۷، ج ۱: ۳۵۴)

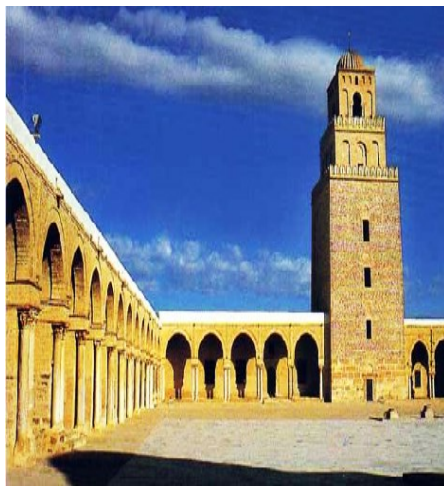
دیگر مسجد جامعی که دارای مأذنه معرفی شده، مسجد جامع قصبه در رمله، از آبادی‌های فلسطین است که آن را هشام بن عبدالملک بنا کرد. (مقدسی، ۱۴۱۱: ۱۶۵) ظاهراً بنای این مناره، به قبل از سال ۱۰۰ق می‌رسد؛ زیرا به نوشته برخی از نویسندگان، در آن سال، آن را خراب کردند و از نو ساختند. در این صورت، ساخت آن توسط هشام بن عبدالملک، باید در زمان ولایت یا فرمانداری وی بر آن سرزمین باشد؛ نه در زمان خلافت؛ زیرا خلافت وی، از سال ۱۰۵ق شروع می‌شود.

مأذنه ششم، منار مسجد جامع قیروان در تونس است که هشام بن عبدالملک در سال ۱۰۵ق به وسیله عاملش بشر بن صفوان آن را بنا کرد. این مسجد ابتدا توسط فرمانده سپاه اسلام، عقبه بن نافع، بدون استفاده از خشت، سنگ و گل، در سال ۵۰ق بنیاد یافت که دارای محرابی در سمت قبله بود. با تغییراتی که در آن وارد شده بود، در سال ۸۴ق حسان بن نعمان غسانی، آن را خراب کرد و به جای آن، مسجدی نو با وسعت بیشتر بنیاد نهاد. پس از مدتی، مسجد باز کوچک می‌نمود و بشر بن صفوان، والی قیروان، به دستور هشام بن عبدالملک در سال ۱۰۵ق آن را تخریب کرد و به جای آن، مسجدی بزرگ‌تر



## ۶۳ بررسی تاریخی معماری محراب و مناره در سده نخست اسلامی

ساخت. یکی از تازه‌های بنا در این مرحله، ساخت مأذنه در دیوار شمالی این مسجد بود که برای اذان آن را برآوردند. پایه‌های این مناره را بر روی چاه آب «چنان» استوار نمودند. (سالم، ۲۰۰۸ الف: ۳۳۷)



مناره مسجد جامع قیروان که بارها تعمیر و نوسازی شده است.

### ۳-۲. ساختمان مناره

مناره‌های مساجد، در ابتدا شکل ساده‌ی داشتند و به تدریج تکامل یافتند؛ چنان‌که امروزه به یکی از مظاهر و جلوه‌های زیبا و تماشایی مساجد تبدیل گردیده است. ابتدا مأذنه دیواری بلند یا برج‌مانند چندضلعی بود که مؤذن بر روی آن رفته و اذان می‌گفت؛ چنان‌که بلال در مدینه ابتدا بر چنین جایی اذان می‌گفت. کم‌کم به اطراف بالای آن برج، دیوار یا نرده کشیدند و بر روی آن سایبانی نصب کردند و پس از مدتی، این فکر پیداشد که هنگام مغرب چراغی در مأذنه روشن نمایند تا هم نشانه فرارسیدن وقت نماز باشد، هم مردم بدانند که مسجد در کدام نقطه قرار گرفته است. بدین ترتیب، روشن نگهداشتن مأذنه، سنتی شد؛ به طوری‌که در سرتاسر بلاد اسلامی، هنگام جشن، در مأذنه چراغ‌های فراوانی روشن می‌کردند و در برخی مساجد مغرب اسلامی، هنگام غروب آفتاب، پرچمی در مناره می‌افراشتند. (صدر حاج سیدجوادی، ۱۳۹۴، ج ۱۵: ۴۹۷)

مناره، دارای چهار جزء بوده است: پایه، ساقه، سرپوش و رأس. پایه مناره، به صورت‌های: چهار، هفت، هشت یا دوازده ضلعی ساخته می‌شود. پایه، در جایی ساخته می‌شود که زمین حفر شده و به نقطه سفت و محکم برسد و بتواند ساقه و پیکر را نگهدارد. ساقه مأذنه، بر روی چنین پایه‌ای که به صورت مربع یا هشت گوشه است، به شکل استوانه‌ای، مربع و یا مخروطی ساخته می‌شده است. پس از اینکه پایه و بدنه مناره ساخته می‌شد، جایگاهی سرپوشیده برای مؤذن بنا می‌گردید. شکل سرپوش و جایگاه مؤذن، مطابق ساختمان بدنه و ساقه بوده است؛ اگر بدنه مناره، مربع یا هشت گوشه بوده، سرپوش نیز به همان شکل ساخته می‌شد. مهم‌ترین نقطه مناره، همان سرپوش یا جایگاهی است که مؤذن در آنجا اذان می‌گوید. معمولاً در اطراف سرپوش، دیوار کوتاه یا نرده‌ای می‌کشند و بالای آن، سقف یا سایبانی می‌سازند تا مؤذن از برف، باران و غیره محفوظ بماند.

مناره، پلکانی دارد که مؤذن بتواند از آن بالا برود. این پله‌ها از روی زمین، یا از بالای بام مسجد و یا از داخل مأذنه شروع می‌شود. معمولاً پله‌های مزبور به شکل حلزونی ساخته می‌گردد و پله‌بندی‌هایش یا از داخل متکی به دیوار مأذنه است، یا به اطراف بدنه مأذنه از بیرون پیچ خورده تا به محل سرپوش برسد؛ همچنان‌که پله‌های مأذنه «ملویه» و مناره جامع «ابی دلف» در سامراء عراق چنین است. آن‌گونه‌که در بعضی از شهرهای اسلامی مشاهده شده است، برخی از مناره‌ها دو ردیف پله دارند که از یکی بالا می‌روند و از دیگری پایین می‌آیند. نخستین مأذنه‌ای که به این شکل ساخته شده، مناره جامع قرطبه در اندلس است و سه مأذنه دیگر نیز به همین شکل در مصر موجود است؛ به نام‌های: قوصون، ازبک یوسفی و غوری در الأزهر، و نیز مناره موصل و مناره سوق الغزل در بغداد. معمولاً در دیوار ساقه مناره، سوراخ‌هایی برای روشنایی پلکان می‌گذارند. در سر مناره قبه یا سایبانی به اشکال مختلف به نام «رأس» ساخته می‌شود و به ندرت برای یک مأذنه دو رأس مزدوج می‌سازند.

قاعده و قانون خاصی برای محل ساختمان مناره نبوده است. گاه در چهار گوشه مسجد، مناره می‌ساختند؛ مانند جامع عمروبن‌عاص در فسطاط مصر که مسلمه، والی معاویه بر آن شهر، بنیاد نهاد و مسجد پیامبر(ص) در مدینه در زمان خلافت ولیدبن‌عبدالملک که عمر بن‌عبدالعزیز، والی مدینه، آن را برآورد. گاه مأذنه را در قسمت

غربی یا شمالی مسجد و یا در نیمه آخر دیوار مسجد بنا می‌کردند؛ مانند مناره‌های جامع قیروان در تونس. گاهی مأذنه را در خارج از مسجد می‌ساختند؛ مثل مأذنه جامع سامراء در عراق، و بالأخره گاهی در ضلع جنوبی مسجد بنا می‌کردند؛ مانند مأذنه جامع ابن طولون. مأذنه گاه متصل به در ورودی مسجد، و زمانی جدا از آن ساخته می‌شده است؛ مانند بسیاری از مناره‌های مساجد ایران. (صدر حاج سیدجوادی، ۱۳۹۴، ج ۱۵: ۴۹۸)

کیفیت زینت مأذنه‌های اولیه اسلام، معلوم نیست؛ زیرا اثری از آنها باقی نمانده و کتیبه و سند زنده‌ای که مبین این موضوع باشد، در دست نیست. در مناره‌هایی که آثار آنها موجود است، عمده زینت مربوط به قسمت سربوش مأذنه، یعنی همان جایی است که مؤذن در آن اذان می‌گوید؛ مثل مأذنه جامع قیروان در تونس. ظاهراً زینت دادن و زیبا و منقش و رنگین کردن مناره‌ها، از نیمه قرن سوم هجری به بعد معمول شد. از این دوره به بعد، بدنه و همه قسمت‌های خارج مناره را با آجر، گچ یا کاشی‌های رنگی منقش به آیات و احادیث نبوی (ص) زینت می‌داده‌اند. البته این امر را که بی‌اندازه مورد توجه خاص مسلمانان قرار گرفته، می‌توان از شاهکارهای صنعت ایرانی دانست. (صدر حاج سیدجوادی، ۱۳۹۴، ج ۱۵: ۴۹۸-۴۹۹)

#### ۲-۴. شکل مناره

از نظر شکل هندسی و ارتفاع، مناره‌ها تحولات گوناگونی را پشت سر گذارده‌اند. امروزه بیشتر مناره‌ها، بلند، استوانه‌ای و باریک طراحی و ساخته می‌شوند. این امر، به دلیل استفاده از آهن و بتون مقاوم و نیز عدم نیاز به بالارفتن مؤذن بر بالای مناره صورت می‌گیرد. ضمن آنکه مناره‌ها تغییر کاربری داده و امروزه عملاً به عنوان مأذنه از آن استفاده نمی‌شود؛ بلکه یادگاری است از بناهای پیشین مساجد که به صورت زیبا و جذاب طراحی و ساخته می‌شوند و زیبایی خاصی به بنای مسجد می‌بخشند. بر بالای مناره، بلندگوهایی را تعبیه می‌کنند که برای پخش اذان و قرآن و احیاناً اطلاع‌رسانی از آن استفاده می‌کنند. اگر هدف از برآوردن مناره، پخش مستقیم اذان از آن باشد، نباید آن را بسیار بلند ساخت؛ زیرا از ارتفاع زیاد، صدای کمتری به اطراف، به‌ویژه اطراف نزدیک، می‌رسد. در گذشته، مناره‌ها چهارگوش (مربع یا مستطیل)، استوانه‌ای و حلزونی طراحی و

ساخته می‌شده که این امر، تابع فرهنگ پیشین معماری مناطق مختلف جهان اسلام، مصالح به‌کاررفته در آن و نیز ابزار بنایی بوده است. همچنان‌که مواد ساختمانی آن متفاوت بوده و از سنگ، آجر، خشت و گل پخته در آن استفاده می‌کردند، شکل هندسی آن نیز تغییر می‌کرده است. در شام، مناره‌ها به شکل چهارگوش ساخته می‌شده که به باور فیلیپ حتّی، متأثر از برج چهارگوش کلیسا بوده است. (حتّی، ۱۳۸۰: ۳۳۶) شام که در آن زمان پایتخت جهان اسلام به شمار می‌آمد، در زمینه ساخت مناره الگو قرار گرفت و در بیشتر مناطق شمال آفریقا و اندلس و نیز شبه‌جزیره، مناره‌ها را چهارگوش ساختند. (حتّی، ۱۳۸۰: ۳۳۷)

درباره شکل هندسی مناره‌های مسجد جامع بصره (ساخته‌شده در ۴۴/۴۵ق)، مسجد جامع فسطاط مصر (ساخته‌شده در ۵۳ق)، مسجد جامع رمله در فلسطین (ساخته‌شده قبل از سال ۱۰۰ق) و مسجد جامع قیروان (ساخته‌شده در ۱۰۵ق)، اطلاعاتی در اختیار نداریم. مسجد جامع اموی دمشق (ساخته‌شده در ۸۸ق)، دارای سه مناره مربع و بزرگ بوده که از سنگ ساخته شده و در سمت شمال، جنوب غربی و جنوب شرقی مسجد، موقعیت داشتند. مناره شرقی، به «منارة البیضاء» و مناره عیسی شهرت دارد. مناره شمالی، به «العروس» معروف است؛ به این دلیل که در زمان‌های قدیم، مردم هنگام اجرای مراسم عروسی و جشن‌ها، با نصب چراغ و آویزان کردن دستمال و پارچه‌های رنگی، آن را تزیین می‌کردند و معتقد بودند این کار، برای‌شان برکت می‌آورد. به نوشته ابن کثیر، ولیدبن عبدالملک اموی، مناره شرقی را ساخت و دو مناره دیگر، از گذشته‌های دور برپا بوده است؛ زیرا آنجا معبد مسیحیان بوده و آنها را مسیحیان برآورده بودند. (ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۹: ۱۴۹) مناره غربی نیز به «آق‌بای» معروف است. مناره عیسی، نخستین مناره‌ای است که با ارتفاع ۴۸ متر ساخته شد و تنها مناره‌ای است که به مناره سامراء شباهت دارد.



مناره عیسی بر بالای مسجد جامع دمشق، یکی از قدیمی‌ترین مناره‌ها که بارها تعمیر و نوسازی شده است.

## ۲-۵. مواد ساختمانی مناره

ساختمان مناره و نیز مساجد هر شهر و کشور، چه از نظر هنر معماری و تزیینات، چه از نظر مواد و مصالح ساختمانی، به سبب زمان و مکان فرق می‌کند. در عراق، از آنجاکه از قدیم آجر و گچ معمول بوده، برای ساختمان مأذنه‌ها از آن استفاده می‌کردند و سنگ را تنها در پایه بنا به کار می‌بردند؛ مانند مأذنه جامع نوری که به سال ۵۶۷ق در موصل ساخته

شد.<sup>۱</sup>

در عراق بسیار کم دیده شده که از پایه تا رأس مأذنه، تماماً سنگ و گچ به کار رفته باشد. البته نخستین مأذنه مسجد جامع بصره، ساخته شده توسط زیاد بن ابیه در سال ۴۴ یا ۴۵ق، از سنگ بوده است. (بلاذری، ۱۳۳۷ب، ج ۲: ۴۸۷) اینکه این سنگ‌ها چگونه به کار رفته و ارتفاع مأذنه به چند متر می‌رسده، در گزارش‌های تاریخی به آن اشاره نشده است؛ چنان‌که به مواد به کار رفته برای مأذنه‌های: مسجد جامع فسطاط مصر، مسجد جامع دمشق، مسجد النبی در مدینه و مساجد رمله در فلسطین و قبروان، گزارشی در دست نیست. در بلاد شام، الجزیره، مصر، مغرب و آسیای صغیر، مصالح ساختمانی مأذنه‌ها اغلب سنگ و گاهی هم سنگ و آجر است. بنای مأذنه‌ها در ایران و افغانستان، تنها از آجر و گچ، و در هندوستان، سنگ و آجر است. (صدر حاج سید جوادی، ۱۳۹۴، ج ۱۵: ۴۹۸)

### نتیجه

محراب، پیش از اسلام در میان پیروان ادیان آسمانی مانند یهود و مسیحیت و نیز ایرانیان و مردمان جزیره العرب، به معنای محل ویژه برای عبادت و یا محل نگهداری مجسمه‌های معابد به کار می‌رفته است. مسلمانان محراب را برای جایگاه ویژه امام جماعت، نشان دادن جهت قبله و ایجاد حریم برای امام جماعت به کار بستند. مسجد پیامبر(ص) و تمام مساجد مدینه در زمان رسول خدا(ص)، دارای محراب بودند.

محراب‌های نخستین، به صورت طاق‌نما و یا فرورفته در دیوار نبودند. این امر، پس از این، در نیمه نخست سده اول، بر اثر افزایش جمعیت با در نظر داشت کاربرد سه‌گانه محراب و ایجاد فضای بیشتر برای مأمومان درست گردید. محراب، نه برگرفته از الگوی معابد مسیحیان و یهودیان، آن‌گونه که بیشتر خاورشناسان گفته‌اند، بلکه ابتکار مسلمانان است که بدون توجه به پیشینه کاربرد آن، در مساجد رواج دادند. قدیمی‌ترین محراب‌ها عبارت‌ند

---

۱. این مسجد را گروه تروریستی داعش به عنوان یکی از مراکز مهم مذهبی و تبلیغاتی خویش قرار داده بود و در همین مسجد، ابوبکر البغدادی خلافت خویش را اعلام نمود. پس از آنکه شکست‌شان در موصل قطعی شد، کمی زودتر از شکست کامل در موصل، مسجد را با دینامیت و بمب منفجر کردند و در نتیجه، هم مسجد از بین رفت و هم مناره آن.

از: محراب مسجدالأقصى در فلسطین، مسجد جامع کوفه در عراق، مسجدالنبی، مسجد جامع اموی در سوریه، مسجد جامع قیروان در تونس و مسجد جامع عمروبن عاص در فسطاط مصر که البته مستندات برخی از آنها، خدشه‌دار است.

استفاده از مناره برای راهنمایی مسافران و مرز میان دو سرزمین، به زمان‌های بسیار قدیم برمی‌گردد. مسلمانان علاوه بر کاربردهای پیشین برای اذان، آن را گسترش دادند. از این رو، در مساجد و اماکن دینی معمول گردید. بر اساس منابع جغرافیایی و تاریخی، قدیمی‌ترین مأذنه‌های مساجد در سده نخست، مسجدالنبی، مسجد جامع بصره در عراق، مسجد جامع فسطاط در مصر، مسجد جامع اموی دمشق در سوریه، مسجد جامع قصبه در رمله فلسطین و مسجد جامع قیروان در تونس بودند.

ساختمان مناره، دارای چهار بخش: پایه، ساقه، سرپوش و رأس بوده و به شکل: چهارگوش، استوانه‌ای و یا حلزونی ساخته می‌شده است. مواد به‌کاررفته در مناره‌ها، در نقاط مختلف با هم متفاوت بوده؛ اما سپس ساختمان مناره‌ها بلندتر و باریک‌تر گردیده و به عنوان مأذنه، کارایی خود را از دست داده و برای زیبایی جایگاه داشته است.

## منابع

قرآن کریم.

آرتور آیهام پوپ (۱۳۸۷ش)، *معماری ایران*، ترجمه: زهرا قاسم‌علی، تهران: سمیرا.  
آرنولد، سیر توماس (۱۹۷۲م)، *تراث الاسلام*، ترجمه به عربی: جرجیس فتح‌الله، بیروت: دار الطلیعة.

ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی‌بن‌أبی‌الکرم (۱۳۸۵/۱۹۶۵)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دار صادر.

ابن بطوطه، شمس‌الدین ابی‌عبدالله محمدبن‌عبدالله اللواتی الطنجی (۱۴۱۷ق)، *رحلة ابن بطوطه (تحفة النظار فی غرائب الامصار وعجائب الاسفار)*، الرباط: آکادمیة المملكة المغربية، الطبعة الأولى.

ابن تغری بردی، جمال‌الدین ابوالمحاسن یوسف‌بن‌تغری بردی اتابکی (بی‌تا)، *النجوم*

## ٧٠. مطالعات تاریخی جهان اسلام

سال هشتم، شماره ١٦، پاییز و زمستان ١٣٩٩

- الزاهرة فى ملوك مصر والقاهرة، مصر: وزارة الثقافة والارشاد القومى، دار الكب.  
ابن جبیر، ابوالحسن محمد بن احمد (بی تا)، رحلة ابن جبیر، بیروت: دار مكتبة الهلال.  
ابن جوزى، ابوالفرج عبدالرحمن بن على (١٤١٢ق/١٩٩٢م)، المنتظم فى تاریخ الامم والملوك، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا و مصطفى عبدالقادر عطا، بیروت: دار الكتب العلمية، الطبعة الأولى.  
ابن حیون، نعمان بن محمد مغربى (١٣٨٥ق)، دعائم الاسلام، تحقیق: آصف فیضى، قم، مؤسسة آل البيت (ع)، چاپ دوم.  
ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (١٤٠٨ق/١٩٨٨م)، دیوان المبتدء والخیر فى تاریخ العرب والبربر و من عاصرهم من ذوی الشأن الاکبر (تاریخ ابن خلدون)، تحقیق: خليل شحاده، بیروت: دار الفكر، الطبعة الثانية.  
ابن عبد ربه، احمد بن محمد (١٣٥٣ق/١٩٣٥م)، العقد الفريد، قاهره: المكتبة التجارية الكبرى.  
ابن فارس، احمد بن فارس (١٤٠٤ق)، معجم المقاييس اللغة، تحقیق: هارون عبدالسلام محمد، قم: المكتبة الاعلام الاسلامى، الطبعة الأولى.  
ابن فقیه، احمد بن محمد بن اسحاق همذانى (١٤١٦ق)، البلدان، بیروت: عالم الكتاب، الطبعة الأولى.  
ابن قتیبه (١٩٩٢م)، المعارف، تحقیق: ثروت عكاشه، قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب، الطبعة الثانية.  
ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل بن عمر بن کثیر دمشقى (١٤٠٧ق/١٩٨٦م)، البداية والنهاية، بیروت: دار الفكر.  
ابن مسکویه (١٣٧٩ش)، تجارب الأمم، تحقیق: ابوالقاسم امامى، تهران: انتشارات سروش، چاپ دوم.  
ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم (١٤١٤ق)، لسان العرب، تحقیق و تصحیح: احمد فارس صاحب الجوائب، بیروت: دار الفكر للطباعة والنشر و التوزیع (دار صادر)، الطبعة الثالثة.  
ابن النجار، محمد بن محمود (١٤٠١ق/١٩٨١م)، أخبار مدينة الرسول المعروف بالدرة الثمينة،



## بررسی تاریخی معماری محراب و مناره در سده نخست اسلامی ۷۱

مکه: مکتبه الثقافة.

احمد بن علی بن عبدالقادر (۱۴۲۰ق/۱۹۹۹م)، *إمتاع الاسماع بما للنبي من الأحوال والأموال والحفدة والمتاع*، تحقیق: محمد عبدالحمید النمیسی، بیروت: دار الکتب العلمیة، الطبعة الأولى. ازرقی، ابوالولید محمد بن عبدالله بن احمد (۱۴۱۶ق)، *اخبار مكة وما جاء فيها من الآثار*، بیروت: دار الأندلس.

اصفهان، حمزة بن حسن (بی تا)، *تاریخ سنی ملوک الارض والانبیاء (ع)*، بیروت: منشورات دار مکتبه الحیاة.

الگ گرابار (۱۳۹۶ش/۱۴۳۸ق)، *شکل گیری هنر اسلامی*، ترجمه: مهدی گلچین عارفی، تهران: نشر حکمت سینا، چاپ اول.

البکری، ابو عبید عبدالله بن عبدالعزیز بن محمد (۱۹۹۲م)، *المسالك والممالك*، بی جا: دار الغرب الاسلامی.

بلاذری، ابوالحسن احمد بن یحیی (۱۹۸۸م)، *فتوح البلدان*، بیروت: دار ومکتبه الهلال.

— (۱۳۳۷)، *فتوح البلدان*، ترجمه: محمد توکل، تهران: نشر نقره، چاپ اول.

بناکتی، ابوسلیمان داود بن ابو الفضل (۱۳۴۸ش)، *روضه اولی الالباب فی معرفة التواریخ والانساب*، تحقیق و تصحیح: جعفر شعار، تهران: انجمن آثار ملی.

بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین (۱۴۰۴ق/۲۰۰۳م)، *السنن الکبری*، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة، الطبعة الثالثة.

پیرنیا، محمد کریم (۱۳۹۳)، *سبک شناسی معماری ایران*، تهران: مؤلف.

توتونجی، محمد نجات یونس (۱۹۷۶م)، *المحاریب العراقیه (منذ العصر الاسلامی إلى نهاية العصر العباسی)*، بغداد: الجمهوریة العراقیة، وزارة الاعلام، مدیریة الآثار العامة.

جبوری، کامل سلمان (۱۳۹۷ق/۱۹۷۷م)، *مساجد الکوفه: دراسة تاریخیه مصوره عن مساجد الکوفه من القرن الاول الهجری وحتى الوقت الحاضر*، نجف: مطبعة نعمان.

جوری، محمد حسین (۱۹۹۸م)، *الفن العربی الاسلامی*، عمان.

چارلز ادوارد بیت (۱۳۶۵)، *خراسان و سیستان؛ سفرنامه کنسل بیت به ایران و افغانستان*،

ترجمه: قدرت الله روشنی و مهرداد رهبری، تهران: انتشارات یزدان، چاپ اول.

حنّی، فیلیپ خوری (۱۳۸۰ش)، *تاریخ عرب*، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران: شرکت

## ۷۲ مطالعات تاریخی جهان اسلام

سال هشتم، شماره ۱۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۹

انتشارات علمی و فرهنگی آگاه، چاپ سوم.

حر عاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹ق)، *تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*، ۳۰جلدی، تحقیق و تصحیح: مؤسسه آل‌البیت(ع)، قم: مؤسسه آل‌البیت(ع)، الطبعة الأولى.

حسینی خاتون‌آبادی، سید عبدالله (۱۳۵۲ش)، *وقایع السنین والاعوام*، تحقیق و تصحیح: محمدباقر بهودی، تهران: کتاب‌فروشی اسلامی، چاپ اول.

حسینی دشتی، مصطفی (۱۳۷۹)، *معارف و معارف دائرة المعارف جامع اسلامی*، تهران: مؤسسه فرهنگی آرایه، چاپ اول.

خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین (۱۳۸۰ش)، *تاریخ حبیب‌السیر*، تهران: انتشارات خیام، چاپ چهارم.

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۵۲)، *لغت‌نامه*، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ اول.

دینوری، احمدبن داود (۱۳۶۸)، *الاخبار الطوال*، تحقیق: عبدالمنعم عامر، قم: منشورات الرضی.

رلا عصام نجیب (۱۹۹۷م)، *تاریخ الفن*، عمان.

روبرت هیلن برنند (۱۳۹۵ش)، *معماری اسلامی: شکل، کارکرد و معنی*، ترجمه: باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، تهران: انتشارات روزنه، چاپ هشتم.

سالم، سید عبدالعزیز (۲۰۰۸م)، *تاریخ المغرب فی العصر الاسلامی*، اسکندریه مصر: مؤسسه شباب الجامعة، چاپ اول.

\_\_\_\_\_ (بی‌تا)، *المآذن المصرية، نظرة عامة على أصلها وتطورها منذ الفتح العربي حتى الفتح العثماني*، اسکندریه.

سایت اینترنتی طراحی دکوراسیون نمازخانه ساجدین، مقاله «محراب مسجد»، تاریخ

دسترسی: ۱۳۹۷/۱۱/۴، [mehrart.com](http://mehrart.com)

سیهری، محمد (۱۳۸۹)، *تمدن اسلامی در عصر امویان*، تهران: شرکت چاپ و نشر

بین‌الملل.

سجادی، علی. فرزین، علیرضا (۱۳۷۵ش)، *سیر تحول محراب*، تهران: سازمان میراث

- فرهنگی، چاپ اول.
- سمهودی، علی بن عبدالله (۱۳۷۴ق/۱۹۵۵م)، *وفاء الوفا باخبار دار المصطفی*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن بن کمال‌الدین محمد (۱۴۱۱ق/۱۹۹۰م)، *إعلام‌الاریب* بحدوث بدعة المحاریب، تحقیق: عماد طه فره، طنطا: دار الصحابة للتراث، الطبعة الثانية.
- شبانکاره‌ای، محمد بن علی بن محمد (۱۳۸۱ش)، *مجمع‌الانساب*، تحقیق و تصحیح: میرهاشم محدث، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ اول.
- الشهابی، قتیبه (۱۹۹۳م)، *مآذن دمشق تاریخ و طراز*، دمشق: وزارة الثقافة.
- صاحب‌بن‌عباد، اسماعیل (۱۴۱۴ق)، *المحیط فی اللغة*، تحقیق: محمدحسن آل‌یاسین، بیروت: عالم‌الکتاب، چاپ اول.
- صبا قیس الیاسری (۲۰۱۷م)، «محراب‌العمارة الدینیة فی مدينة الحیرة»، *مجله مرکز الدراسات الکوفقة*، ش ۴۶.
- صدر حاج سیدجوادی، احمد و همکاران (۱۳۹۴ش/۱۴۳۶ق)، *دائرة المعارف تشیع*، تهران: انتشارات حکمت، چاپ اول.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه، *من لا یحضره الفقیه*، تهران: مکتبه الصدوق، چاپ اول.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۸ق)، *التوحید*، تحقیق و تصحیح: هاشم حسینی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵ق/۱۹۶۶م)، *علل الشرایع*، قم: کتاب‌فروشی داوری، چاپ اول.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۳ق)، *معانی‌الآخبار*، تحقیق و تصحیح: علی‌اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
- ضبی، مفضل بن محمد بن یعلی (بی‌تا)، *المفضلیات*، تحقیق: احمد محمدشاکر و عبدالسلام هارون، مصر: دارالمعارف.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷ق/۱۹۶۷م)، *تاریخ الطبری*، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دار التراث، الطبعة الثانية.
- طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶ق)، *مجمع‌البحرین*، تحقیق: سید احمد حسینی، تهران: کتاب‌فروشی مرتضوی، چاپ سوم.

## ۷۴ مطالعات تاریخی جهان اسلام

سال هشتم، شماره ۱۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۹

- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۷۶)، تهذیب الاحکام، تهران: مکتبه الصدوق، چاپ اول.
- (۱۴۱۱ق)، مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، بیروت: مؤسسة فقه الشیعة، الطبعة الأولى.
- عبادی، عدی بن زید (۱۹۶۵م)، دیوان عدی بن زید العبادی، بغداد: شرکتة للجمهوریة.
- عسقلانی، احمد بن علی بن حجر (۱۴۱۵ق/۱۹۹۵م)، الاصابة فی تمييز الصحابة، تحقیق: عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، بیروت: دار الکتب العلمیة، الطبعة الأولى.
- فکری، احمد (۱۹۴۹م)، «بدعة المحاریب» مجله مصری الکاتب، شماره ۱۴، نوامبر.
- فائدان، اصغر (۱۳۷۷ش)، تاریخ و آثار اسلامی مکة مکرمه و مدینه منوره، قم: نشر مشعر، چاپ سوم.
- قدیانی، عباس (۱۳۸۷ش)، فرهنگ جامع تاریخ ایران، تهران: انتشارات آرون، چاپ ششم.
- قرهچانلو، حسین (۱۳۸۰ش)، حرمین شریفین (تاریخ مکة و مدینه)، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم.
- قزوینی، زکریا بن محمد بن محمود (۱۳۷۳ش)، آثار السیاد و اخبار العباد، ترجمه: جهانگیر میرزا، تهران: امیر کبیر، چاپ اول.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق)، تفسیر التمی، تحقیق و تصحیح: طیب موسوی جزایری، قم: دار الکتب، چاپ سوم.
- کامل موسی، عبدالله (۱۹۹۴م)، «تطور المئذنة بمدينة القاهرة من الفتح العربی حتی نهاية العصر المملوکی؛ دراسة معمارية مقارنة مع مآذن العالم الاسلامی» (رساله چاپ نشده دکتری)، کلیة الآثار، جامعة القاهرة.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامیة، الطبعة الرابعة.
- کوفی، فرات ابن ابراهیم (۱۴۱۰ق)، تفسیر فرات الکوفی، تحقیق و تصحیح: محمد کاظم، تهران: مؤسسة الطبع والنشر فی وزارة الارشاد الاسلامی، الطبعة الأولى.
- کومن، فرانتس (۱۳۸۰ش)، آیین پرمز و راز میترایمی (اسرار آیین میترا)، ترجمه و پژوهش: هاشم رضی، تهران: انتشارات بهجت، چاپ اول.
- گروه تنظیم کتابهای درسی (۱۴۱۰ق/۱۳۶۸ش)، جامع المقدمات؛ علم الصرف، بی جا: مجمع علمی اسلامی، چاپ دوازدهم.

## ۷۵ بررسی تاریخی معماری محراب و مناره در سده نخست اسلامی

- مارتن، ورمازرن (۱۳۸۰ش)، *آیین میتر*، ترجمه: بزرگ نادرزاد، تهران: انتشارات چشمه، چاپ سوم.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، ۱۱۱جلد، بیروت: دار إحياء التراث العربي، الطبعة الثانية.
- محمد بن ابراهیم (۱۳۴۳)، *سلجوقیان و غزدر کرمان*، تحقیق و تصحیح: محمد ابراهیم باستانی پاریزی، تهران: انتشارات کتابخانه طهوری.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین (۱۴۰۹ق)، *مروج الذهب ومعادن الجواهر*، تحقیق: اسد داغر، قم: دار الهجرة، چاپ دوم.
- (بی تا)، *التنبیه والاشراف*، تصحیح: عبدالله اسماعیل الصاوی، قاهره: دار الصاوی، (افست قم: مؤسسه نشر المنابع الثقافة الاسلامیة).
- مصطفوی، محمدتقی (۱۳۴۳)، *اقلیم پارس*، تهران: انجمن آثار ملی، چاپ اول.
- مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد (۱۴۱۱ق)، *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*، قاهره: مکتبه مدبولی، الطبعة الثالثة.
- المقریزی، تقی الدین ابوالعباس احمد بن علی بن عبدالقادر العییدی (۱۴۱۸ق)، *المواعظ والاعتبار بحفظ الخط والآثار*، بیروت: دار الکتب العلمیة، الطبعة الأولى.
- منهاج سراج، عثمان بن محمد جوزجانی (۱۳۶۳ش)، *طبقات ناصری*، تحقیق: عبدالحی حبیبی، تهران: دنیای کتاب، چاپ اول.
- نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ق)، *مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل*، ۲۸ جلد، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ اول.
- واسطی زبیدی حنفی محب الدین، سید محمد مرتضی حسینی (۱۴۱۴ق)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، تحقیق و تصحیح: علی شیری، بیروت: دار الفكر للطباعة والنشر و التوزیع، الطبعة الأولى.
- واقدی، محمد بن سعد (۱۳۷۴ش)، *طبقات الكبرى*، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه.
- واندنبگ، لویی (۱۳۳۷)، *باستان شناسی ایران باستان*، ترجمه: عیسی بهنام، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ اول.

## ٧٦ مطالعات تاریخی جهان اسلام

سال هشتم، شماره ١٦، پاییز و زمستان ١٣٩٩

الهروی، ابوالحسن علی بن ابی بکر (١٤٢٣ق/٢٠٠٣م)، *الاشارات إلى معرفة الزیارات*، قاهره: مکتبة الثقافة الدینیة.

یاقوت حموی، شهاب الدین ابو عبدالله یاقوت بن عبدالله (١٩٩٥م)، *معجم البلدان*، بیروت: دار صادر، الطبعة الثانية.

یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب؛ ابن واضح (١٣٧١ش)، *تاریخ یعقوبی*، ترجمه: محمد ابراهیم آیتی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ ششم.

١. K.A.C Creswell, ١٩٦٩, *Early Muslim Architecture*, vol ١, Janury ١,
٢. Pederson (١٩٣٦), "Mahrab", *The Encyciopaedia of islam*, vol ١١١, Leiden London.
٣. Sauvaget (Jean), *La Mosque Omeyyade de Medine*, Paris.
٤. Martin S. (١٩٢٤), *Brigs: Mohamman Architecture in Egypt and Palestine*, Oxford at the Clarendon Press.